

مطالعه تطبیقی تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی: اشتراکات و افتراقات (با تأملی بر اندیشه حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای)

محمدجواد فتحی^۱، زهره قدیگی^۲

چکیده

بعثت پیامبر اسلام (ص) و هجرت به مدینه سرآغاز بنا نهادن تمدنی جهانی بود که در طی پروسه‌ی چندین قرن به بزرگترین و تأثیرگذارترین تمدن تاریخ بشری تا آن زمان مبدل گشت. منتها پس از مدتی در طی یک روند تدریجی به دلیل دوری از مبانی اسلامی هویت دهنده و قوام بخش ابتدایی و تحت تأثیر برخی پیشران‌های خارجی رو به انحطاط رفت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومتی بر پایه اسلام و وجود ظرفیت‌های مطلوب مادی و معنوی، منجر به طرح مجدد ایده‌های تمدنی با عنوان تمدن نوین اسلامی گردید. حال این سوال مطرح می‌شود که تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی دارای چه شباهت‌ها و مفارقاتی هستند؟ این پژوهش با قرار دادن این سوال به عنوان نقطه عزیمت خود سعی دارد تا با کنکاش در منابع اسلامی از یک سو و تأمل در اندیشه حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای که لفظ نوین توسط وی طرح و صورت‌بندی شده است، به وجوه شباهت و افتراق دو تمدن نائل گردد. به طور کلی تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی در حوزه مسائل دینی، ایمانی و معنویت‌گرایی، عدل و عدالت‌گرایی و تأکید بر روی مقوله دانش و علم جهت پیشبرد و بلوغ ایده‌های تمدنی، دارای شباهت هستند و از سوی دیگر در برخی مؤلفه‌ها همانند وجود اولویت‌بندی و قاعده-مندی مراحل نیل به تمدن در تمدن نوین اسلامی و فقدان این مهم در تمدن اسلامی، تأکید بر ارتباطات بین‌المللی و محیط اطراف، فضای مجازی و رسانه‌ای و تأثیر آن بر تمدن‌سازی، علم - فناوری، مدل عقلانیت و خردگرایی، انسان تک‌ساحتی یا چندساحتی و رهبری و جایگاه مردم، دارای تفاوت هستند.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد (f.mjavad@yahoo.com)

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی (Z.ghadbeigy@gmail.com)

در پایان نتیجه گرفته می‌شود که تمدن نوین اسلامی کاملاً منفک از تمدن اسلامی نیست، هر چند در برخی شاخص‌ها با آن تفاوت دارد، منتها به طور کلی در مؤلفه‌های کلان ریشه در همان تمدن دارد. به تعبیری تمدن نوین اسلامی در عرض تمدن اسلامی نمی‌باشد بلکه در طول آن می‌باشد و از آموزه‌های فکری، آزمودنی‌های عملیاتی، دستاوردهای ارزنده و تجارب مفید تمدن سابق بهره می‌گیرد و مضاف اینکه از روش‌های نامطلوب طی شده توسط آن تمدن که پیشامدهای منفی در پی داشت، احتراز می‌ورزد و همچنین به فراخور بازه زمانی کنونی، دنیا و گستره سرزمینی متفاوت، شاخص‌های جدیدی به آن می‌افزاید. این پژوهش از طریق روش تحلیل کیفی و با استناد به داده‌ها و اسناد کتابخانه‌ای و از طریق ابزار فیش برداری صورت گرفته است.

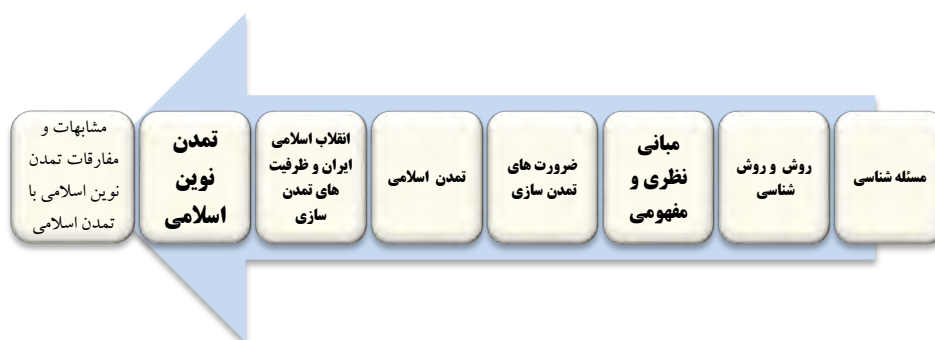
واژگان کلیدی: تمدنی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، سید علی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی ایران،

حضرت محمد(ص).

مقدمه

تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) و هجرت وی به مدینه شکل گرفت. مسلمانان با اتکاء بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر اسلام(ص) و ائمه (ع) آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رساندند. با حملات صلیبیان، مغولان و سقوط اندلس و مشکلات داخلی جهان اسلام، تمدن اسلامی دچار انحطاط شد؛ منتها در عهد صفویان، عثمانی‌ها و گورکانیان هند، مجدداً رونق گرفت. در قرن نوزدهم، استعمارگران به مسلمانان حمله کردند و دوباره تمدن اسلامی دچار رکود گردید (رضایی، ۱۳۹۴: ۲). پیامبر اسلام(ص) با بعثت خود، تمدنی را در جهان پایه گذاری کردند که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند و جمهوری اسلامی ایران در عصر کنونی پیشرو ترویج آموزه‌های آن حضرت است و لذا تبیین اهداف بلند، ویژگی‌ها و کارکردهای تمدن نوین اسلامی نیز در مسیر استمرار آن تمدن الهی و انسان‌ساز است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در راه احیاء و ایجاد آن با هدایت جامعه اسلامی و تئوریزه کردن مبانی آن تلاش وافر می‌کنند(عامری، ۱۳۹۶). از همین روی است که تمدن نوین اسلامی که توسط رهبری مطرح شده در واقع در راستای احیای همان تمدن اسلامی به همراه برخی تاکتیک‌ها و فنون جدید به فراخور زمان کنونی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف گردیده است. از همین روی سوال اصلی پژوهش این است که تمدن اسلامی و تمدن نوین

اسلامی دارای چه مشابهات و مفارقاتی هستند؟ جهت نائل گردیدن به پاسخ مناسب به سوال اصلی برخی سوالات فرعی نیز مطرح شده است. از جمله اینکه مقصود از تمدن و تمدن‌سازی چیست؟ ضرورت‌های تمدن‌سازی کدامند؟ مولفه‌های اصلی به منظور نیل به وضعیت تمدنی کدامند؟ شاخص‌ها و مؤلفه‌های قوام بخش تمدن اسلامی کدامند؟ مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی کدامند؟ آیا انقلاب اسلامی - و جمهوری اسلامی ایران - ظرفیت تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد؟ آیا می‌توان تمدن نوین اسلامی را از تمدن اسلامی منفک کرد؟ ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری تمدن نوین اسلامی کدامند؟ سازماندهی پژوهش به این صورت است که ابتدا به ساکن مبانی نظری و مفهومی پژوهش ارائه شده و سپس در بحث دوم، تمدن اسلامی و شاخص‌های آن بررسی خواهد شد، در بحث سوم انقلاب اسلامی ایران و ظرفیت‌های آموزه‌ای، فرهنگی و تمدنی این رخداد عظیم مورد اشاره و امعان نظر قرار می‌گیرد، در بحث چهارم ضرورت‌های ساخت تمدن بیان می‌شود، در بحث پنجم تمدن نوین اسلامی و شاخص‌های قوام بخش آن در ابعاد و حوزه‌های موضوعی متعدد و به مثابه مسائل درهم تنیده با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی ملحوظ نظر است، در بحث پایانی نیز تشابهات و مفارقات میان دو تمدن اشاره خواهد شد. این گام‌ها در طی نمودار ذیل مورد واکاوی قرار می‌گیرد.



۱- مسئله شناسی

تمدن و تمدن‌سازی از زمره موضوعات مهمی است که تاریخ پژوهان، تمدن‌پژوهان، متخصصان علوم اجتماعی، فلاسفه و سیاست‌مداران همواره تفکر در خصوص علل رشد و بلوغ تمدن‌ها و همچنین افول این مقوله مهم را ملحوظ نظر قرار داده‌اند. در بحث‌های تمدن‌سازی که در داخل کشور و اکنون

در حوزه تمدن سازی نوین در سطح منطقه و بعضاً در محافل جهانی مطرح می شود یک مسئله اساسی وجود دارد و آن این است که برخی بر این اعتقادند که تمدن نوین اسلامی در واقع همان تمدن اسلامی است و تفاوت میان این دو تنها در حوزه موضوعی و اسمی است و به لحاظ فحوائی قابل تمیز نیستند و از سوی دیگر این نظر نیز وجود دارد که تمدن نوین اسلامی کاملاً منفک از تمدن اسلامی است و ارتباطی به آن ندارد. با این وجود باید بیان داشت که واکاوی این دو تمدن، یعنی تمدن نوین اسلام و تمدن اسلامی مسئله ای ضروری است که می تواند در مبرهن ساختن وجوه افتراق و اشتراک آنها کمک شایانی بکند. قاعدتاً هر دو تمدن بر مبنای اصول پایه ای مهمی در ابعاد مختلف بنا گردیده اند. از همین روی است که بوجود آمدن این مسائل ضرورت واکاوی ابعاد محتوایی تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی را با اهداف کنکاش در ربط بین این دو مضاعف می کند. باید به این مهم عنایت داشت که علم و پژوهش از مسئله شروع می شود و چنانچه فرد، جامعه، سازمان و کشورها مسئله نداشته باشند و یا اینکه مسئله شناسی به درستی صورت نگیرد یا اینکه روش ها و راه حل های درستی جهت حل و فصل مسئله به کار برده نشود، ممکن است پیشبردی در آرمان های کلی به صورت عام و آرمان تمدن سازی نوین به صورت خاص نداشته باشند یا حتی دچار واپس گرایی فکری و عملیاتی در این رابطه گردند.

۲- روش شناسی پژوهش

پس از طرح مسئله آنچیزی که ما را به سمت حل مسئله راهبری می کند استفاده از روش های مناسب و منطبق بر ماهیت پژوهش می باشد. انتخاب درست یک روش متوقف بر آشنایی با مقوله روش شناسی می باشد. درخور توجه است که روش آن چیزی است که با کاربست درست و به موقع آن و از رهگذر بهره گیری از سلسله قواعد، مقررات، فنون و مختصات مناسب در مبدل ساختن مجهولات به معلومات و عینیت سازی آنها مفید فایده است. روش شناسی نیز آن چیزی است که محقق را از جهان هستی به جهان بشری متصل می نماید و مضاف اینکه علاوه بر پی بردن به ظواهر پدیده ها در کشف ماهیت و حقیقت مستتر در پدیده های طبیعی، انسانی و ماورایی کمک شایانی می کند. درخور توجه است که پژوهش پیش رو به دلیل ماهیت آن ذیل پژوهش های توصیفی - تحلیلی روش تحلیل کیفی قرار می گیرد که با استفاده از داده های اسنادی و کتابخانه ای و به صورت توصیف غنی و تحلیل

محتوای اطلاعات در دسترس، سعی بر فیش برداری داده‌های مرتبط با پژوهش و دسته‌بندی و تحلیل آنها دارد.

۳- مبانی مفهومی و نظری پژوهش: تمدن و تمدن سازی نوین

تمدن در علوم اجتماعی از واژه‌های پرابهام است و با ابتننا به جنس الاجناسی بودن این مقوله جهت واکاوی معنایی تمدن باید دقت خاصی داشت؛ چرا که از درهم تنیدگی، انباشت و گردهم آمدن مجموعه‌ای از پیشران‌ها و شاخص‌های طبیعی و انسانی، تمدن‌ها رخ خواهند نمود. به تعبیری جهت عینیت یافتگی تمدن باید حوزه‌های موضوعی متعددی گرد هم آیند. مشهور است که ارسطو بیان داشته است که هر کس تعاریف را ارائه دهد، کنترل بحث را نیز در اختیار خواهد داشت. به همین منظور در این بهره سعی می‌شود که به این سوال پاسخ داده شود که تمدن چیست؟ مؤلفه‌های تمدن سازی کدامند؟ نظریه پردازان حوزه تمدنی چه دیدگاه‌ها و نقطه نظرانی در خصوص تمدن سازی ارائه داده اند؟ واژه نوین و تمدن سازی نوین به چه معنایی است؟

۳-۱- تعریف لغوی تمدن

واژه Civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و به منظور دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه Civilization شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹). در فرهنگ فارسی در خصوص تمدن چنین آورده شده که تمدن: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۳۰). لازم به ذکر است که تمدن در زبان عربی از مدن اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است (ولایتی، ج ۱، ۱۳۸۴: ۳۳).

۲-۲- تعریف اصطلاحی تمدن و مؤلفه‌های تمدن سازی

از سوی دیگر بسیاری از اندیشمندان تفکر پیرامون تمدن را مد نظر قرار داده‌اند که در اینجا می‌توان آنها را ذیل دو دسته متفکران اسلامی و غیراسلامی بررسی نمود.

۲-۲-۱- اندیشمندان ایرانی و اسلامی

محمدتقی جعفری در خصوص تمدن می‌نویسد: «تمدن عبارت است از برقراری آن نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳). امام خمینی (ه) به صورت مستقیم تمدن را تعریف نمی‌کند منتها در همین ارتباط بیان می‌دارند که: «همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم. ما با جمیع آثار تمدن - نرم افزاری و سخت افزاری - موافقیم و مایلیم که مملکت ما مجهز بشود به جمیع آثار تمدن» (همان، ج ۵: ۵۰۰). «هر تمدنی که ظهور می‌کند باید نیازهای فردی و اجتماعی جوامع بشری را رفع و درصدد رشد و تعالی انسان‌ها باشند. ما می‌خواهیم ملت ایران غرب زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). از سوی دیگر امام راحل علاوه بر ابعاد معنوی - فرهنگی تمدن، نگاهی هم به ابعاد مادی دارند و بیان می‌دارند که: «هیچ یک از آثار تمدن نیست و مریض خانه نداریم، آسفالت نداریم، آب نداریم از این مسائل. مملت متمدن باید حزب داشته باشد، احزاب باشد. خوب، پس ما باید احزاب داشته باشیم» (همان، ۱۱۰). «مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، در اظهار عقاید و آرائشان» (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵: ۲۷۷). دکتر شریعتی در تعریفی که از تمدن دارد معنای کلی آن را: «ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه‌ی انسانی می‌داند و منظور از این ساخته‌ها را چیزهایی می‌داند که در دنیا وجود دارد و ساخته‌ی دست بشر نیست و منظور از اندوخته‌ها را تجربه‌ها و داده‌ها و دانش‌ها و قراردادهای گذشته‌ی یک جامعه می‌داند» (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۲) سید حسن تقی زاده تمدن را: «نهضت علمی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی مدنی، توأم با آزادی می‌داند و معتقد است که این نهضت طی پنج یا شش قرن گذشته در اروپا و بعدها در آمریکا پیدا شده و رفته رفته تکامل یافته است» (ندوشن، ۱۳۷۴: ۳۸).

سیدحسن نصر می‌گوید: «منظور از تمدن، بزرگترین واحدی است که درون کلیت انبای بشر که انسان به آن گرایش دارد، غیر از جمعی کلی بشریت و نوع انسان، بزرگترین واحدی که انسان به آن تعلق دارد، واحد تمدن است». همچنین ابن خلدون یکی از قدیمی‌ترین نظریه پردازان مسلمان در حوزه تمدن است و مؤلفه‌های این پدیده را «جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصیبت دانسته است» (آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹). غسان العزی در کتاب «سیاست القوه؛ مستقبل النظام الدولی و القوی العضمی»، بر این اعتقاد است که: «به‌منظور رسیدن به وضعیت ابرقدرتی و همچنین قرار گرفتن در رأس تمدن، شروطی همانند پیشرفت در زمینه علمی و فناوری، اوضاع اقتصادی و مالی مطلوب، قدرتمندی نظامی، موقعیت جغرافیایی مناسب و ذخایر انرژی، فرهنگ تأثیرگذار و توانمندی دیپلماتیک لازم است» (العزی، ۲۰۰۰: ۳۲۷). عبدالله بداوی نیز از ده اصل اسلامی تمدنی یا اسلام حضاری، با عناوین: «ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی، حکومت عادل و امین، مردم آزاد و مستقل، تحقیق مُجدّانه و تسلط بر علوم، توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر، کیفیت مناسب زندگی، حفظ حقوق اقلیت‌ها و زنان، یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست، و قابلیت دفاعی مستحکم، به‌عنوان عوامل سازنده تمدن یاد می‌کند» (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۷).

۳-۲-۲- اندیشمندان غیراسلامی

تافلر بر این اعتقادند که: «تمدن اصولاً به شیوه‌ای از زندگی اشاره دارد که با نظامی ویژه برای تولید ثروت همراه است و هیچ واژه دیگری این همه موضوعات گوناگون مانند تکنولوژی، زندگی خانوادگی، مذهب، فرهنگ، سیاست، تجارت، سلسله مراتب، رهبری، ارزش‌ها، اخلاق جنسی و معرفت‌شناسی را به شایستگی در بر نمی‌گیرد و تغییر در مجموعه این پدیده‌ها موجب بوجود آمدن تمدنی جدید خواهد شد» (فراگوزلو، ۱۳۸۷: ۱۲۱). هیل و همکاران بر این اعتقادند که: «تمدن پیوند جدایی‌ناپذیری با اندیشه پیشرفت اجتماعی داشته و به معنای پیروزی عقلانیت بر دین، زوال راه و رسم‌های علمی و خاص و محدود و اعتلای علوم طبیعی است» (هیل و دیگران، ۱۳۶۷: ۶۶). جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام ظاهر و حقیقت تمدن را عبارت از: «ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، قوانین و رسومات اجتماعی و ادب و علم می‌داند اما حقیقت تمدن در راستای خوشبختی یا بدبختی و خوبی یا بدی کسانی که در زیر پرچم آن تمدن زندگی می‌کنند، می‌باشد» (زرنکوب، ۱۳۳۷: ۱۳۲).

توین بی نیز از زمره اندیشمندانی است که در خصوص تمدن سازی تألیفاتی دارد و بر این اعتقادند که: «تمدن، حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است، یعنی طبقه ممتازی که در جامعه واجد نبوغ ابتکار و نوآوری است و در اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید (توین بی، ۱۳۷۶: ۱۵۴). ویل دورانت تمدن را عبارت از: «نظم اجتماعی می‌داند که در اثر آن خلاقیت فرهنگی امکانپذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. به علاوه در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرهاست که عقل مردم بارور می‌شود. تمدن در پی سجایای اخلاقی و ویژگی‌های نیک آدمیان پدید می‌آید. نظری که در میان مردم شایع است. پس از تحقق شهرنشینی و استقرار نظم اجتماعی، چهار رکن اصلی تمدن شکل می‌گیرد: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی که رکن مهم حیات بشری است؛ پیدایش سازمان سیاسی که در گسترش امنیت و نظم اجتماعی مؤثر بوده و از هرج و مرج اجتماعی جلوگیری می‌کند؛ سنت‌های اخلاقی و سلوکی که مقوم جامعه تمدنی است؛ سرانجام جهت و کوشش در راه علم و بسط هنر که عالی‌ترین عنصر تمدن بشری و تجلی‌گاه ذوق و نبوغ آدمی است (دورانت، ۱۳۳۷: ۳). هنری لوکاس نیز در خصوص عناصر و مؤلفه‌های تمدن به عناصر کلی اقتصاد، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و دینی، معرفت و هنر اشاره می‌کند (لوکاس، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۶).

بررسی آراء تمدنی اندیشمندان اسلامی و غربی حاکی از این است که جهت شکل دهی و به منصفه ظهور رسیدن هر تمدنی الزامات و بایسته‌های شایانی باید به صورت عینی رخ نمایند. با این وجود نگارنده بر این اعتقاد است که وجود پتانسیل‌هایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و نظامی، زیست محیطی، شرایط جغرافیایی و فیزیکی و به طور کلی وجوه نرم افزاری و سخت افزاری لازمه حرکت به سمت تمدن سازی و تمدن پروری است و مضاف اینکه بدون فراهم بودن چنین پیش شرط‌هایی تمدن‌ها شکل نمی‌گیرند یا تمدن سازی روند کندی را طی خواهد کرد.

۳-۳- تمدن سازی نوین

قبل از تعریف تمدن سازی نوین ابتدا به ساکن لازم است کیلدواژه "نوین" مورد و کاوی معنایی و اصطلاحی قرار گیرد. کیلدواژه نوین از زمره موارد مهم در حوزه‌های موضوعی چه در علوم طبیعی و چه در علوم انسانی و اجتماعی به شمار می‌رود و به طور کلی اشاره به طرح‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، راهکارها، تدبیرها، موضوعات، پدیده‌ها و رخداد‌های نوظهوری دارد که در سابق نمونه‌ای از آن یافت نشده است

یا اینکه با تغییر در مسیر روندها و تغییر ماهوی و یا ظاهری موضوعات قبلی در شکل جدید و کالبد نوینی تجسم یافته است. درخور توجه است که فرهنگ لغات آکسفورد^۱ در خصوص کلیدواژه نوین اینگونه آورده است که:

- چیزی که از قبل وجود نداشته است؛
- کشف و تولید نمونه‌ای برای اولین بار؛
- پدیده‌هایی که در سابق وجود نداشته و یا در تملک کسی قرار نداشته است؛
- تازه به منصه ظهور رسیده و تاکنون استفاده نشده؛
- برای اولین بار تجربه شده؛
- غیرمرسوم و بکر؛
- متفاوت از نمونه‌های قبلی؛ (Oxforddictionaries, 2018).

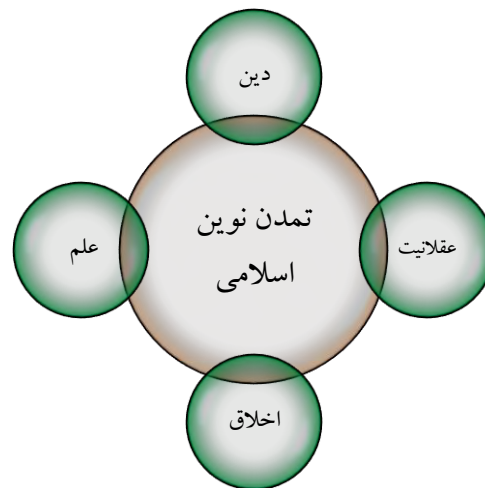
یا اینکه دیکشنری مشهور ماکسیمیلین^۲ در خصوص کلیدواژه نوین اینگونه بیان می‌کند که: «تازه ساخته شده است و شامل نمونه‌های تازه اختراع شده و طرح ریزی جدید می‌باشد. اهتمام نسبت به توسعه مقوله یا تصمیم به توسعه یا در پیش گرفتن راه کارهایی جدیدی جهت نیل به هدف که تاکنون توسط کسی مورد توجه قرار نگرفته یا جایگزینی طرح‌ها و ترفندهای جدید در قیاس با نمونه‌های قبلی نیز ذیل کلیدواژه نوین قابل درج است» (Macmillandictionary, 2018). فرهنگ لغات کمبریج^۳ نیز در خصوص لغت نوین اینگونه اشاره کرده که: «چیزی که متفاوت از نمونه یا نمونه‌های اولیه باشد و هنوز به برحسب تجربه به کار بسته نشده است. از سوی دیگر این موضوع به تازگی شناخته شده و معروف گشته است» (Dictionary.Cambridge, 2018). پس از مشخص شدن مفهوم نوین باید بیان داشت که واژه "تمدن نوین اسلامی" برای اولین بار توسط رهبری مطرح شده است و پیش از وی جملگی متفکران نظرات خود را بر حول محور تمدن اسلامی بنا کرده بودند. شایان ذکر است که معظم له با تقسیم تمدن نوین اسلامی به دو بخش ابزاری و بخش حقیقی بیان می‌دارند که: «هر دو بخش ابزاری و حقیقی مهم و درخور توجه است اما بخش متنی و حقیقی همان سبک زندگی مثل مسئله خانواده،

^۱ oxforddictionaries

^۲ macmillandictionary

^۳ dictionary.cambridge

سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما با یک دوست، رفتار ما با دشمن ... این موارد چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد اما بخش ابزاری، که شامل ارزش هایی است که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین-المللی که علی رغم فشارها و تهدیدهای خارجی شاهد موفقیت های فراوانی در کشور هستیم» (خامنه-ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) این تمدن جدید بر پایه چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق قرار دارد (خامنه ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶).



۳-۴- ضرورت ساخت تمدن

در این بخش این سوال مطرح می شود که آیا چه نیازی به تمدن سازی است و اساساً چرا برخی اقلیم های جغرافیایی و کشورها اقدام به ساخت تمدن های عظیمی کرده اند؟ درخور توجه است که پرسش و تأمل در خصوص ضرورت ساخت تمدن پس از مفهوم بندی تمدن مسئله مهمی است که مد نظر قرار گرفته است و از سوی دیگر گستره های جغرافیایی و واحدهایی که به لحاظ غنای فرهنگی و ارزشی و همچنین پتانسیل های طبیعی و مادی چشمگیری دارند اغلب سعی در تمدن سازی ارزشی، منشی، پیشی و همچنین عملیاتی دارند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در رابطه با ضرورت تمدن سازی بیان می دارند که: «قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه ای جدی است. آن

را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید. آن نظام، چند صبحی هست؛ بعد هم می‌رود - یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد - و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. یک وقت قضیه این‌گونه است و این همه نقل ندارد. آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسأله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است. ما البته یک ملتیم؛ مرزهایمان هم، مرزهای محدودی است. بیرون از این مرزها هم کاری نداریم. به این نکته توجه داشته باشید. تلاش و فعالیت ما در داخل مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این پیام یک پیام جهانی بود. دلیل چیست؟ دلیل، این است که وقتی ملت ایران و رهبر عظیم‌الشأن ما - امام بزرگوار - این کار را انجام دادند، مسلمانان در هر جای دنیا که بودند، احساس کردند نوروز آنهاست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱).

۴- تمدن اسلامی

نگاه تاریخی به تمدن اسلامی نشان می‌دهد که با آغاز بعثت نبی مکرم اسلام بنیان‌های یک تمدن جدید در جهان بنا نهاده شد که امروزه تحت عنوان تمدن اسلامی مشهور گشته است. این تمدن برخلاف سایر تمدن‌ها که از طریق فعالیت‌های نظامی و سیاسی در مناطقی شروع به رشد می‌کنند، از طریق یک ایده بزرگ و با یک سخن نو در منطقه‌ای از جهان مطرح شد که فاقد آثار تمدنی درخور توجه بود. به عبارت دیگر اگر ما بخواهیم به آغاز تمدن اسلامی از لحاظ جغرافیایی نگاهی مقایسه‌ای با تمدن‌های موجود در عصر ظهور اسلام داشته باشیم، ملاحظه خواهیم کرد که منطقه ظهور اسلام از آثار قابل توجهی برخوردار نیست. بنابراین از لحاظ جغرافیایی و سرزمینی، تمدن اسلامی در منطقه‌ای از جهان شروع به رشد کرد که قرآن کریم آن جامعه را با واژه جاهلیت توصیف می‌کند. بنابراین می‌توان مدعی شد که از لحاظ استعداد اجتماعی و جغرافیایی، سرزمین حجاز فاقد ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای برای شکل‌گیری یک تمدن بزرگ جهانی بود. در چنین شرایطی آنچه از سوی پیامبر اسلام (ص) عرضه گردید، یک پیام نو و یک ایده بزرگ است به طوری که حتی رسول اکرم (ص) در آغاز رسالت به تنهایی و به صورت مخفیانه فقط به اشخاص خاص و مستعد پیام رسالت بزرگ خود را عرضه می‌نمود و از طرح علنی آن به جهت نبود ظرفیت در جامعه آن روز مکه خودداری می‌کرد. منتها تاریخ نشانگر این است که پیامبر (ص) به مرور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اندک و برنامه‌ریزی‌های دقیق برای ایجاد بنای یک تمدن بزرگ، ابتدا چشم و گوش تمامی ساکنان شبه جزیره را متوجه یک پیام

الهی و انسان ساز نمود و با تزریق برنامه‌ریزی شده اندیشه‌های وحیانی، هسته‌ای اولیه برای تمدن بزرگ اسلامی بنا نهاد (عامری، ۱۳۹۵). از این رو تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنونی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد (فوزی و صنعم زاده، ۱۳۹۱: ۳۶) و شامل همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). این تمدن از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار بود و مؤلفه‌های آن بر دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره بنا گردید (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). حال این سؤال مطرح می‌شود که مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلان تمدن اسلامی کدامند؟ یا به سخنی تمدن اسلامی بر اساس چه ارکان و پایه‌های بنیادی بنا گردید؟

۴-۱- دین محوری و نگرش توحیدی

تمدن اسلامی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن کریم و آموزه‌های نبوی است، همه ابعاد زندگی و دقائق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شد. شمولیت و احاطه قوانین اسلامی مبتنی بر آیات عمیق و جندب‌عدی قرآن کریم، افزون بر مسائل کلان حیات جمعی، خردترین و ظریف‌ترین بخش‌های زندگی فردی را در بر می‌گرفت. به همین دلیل تمدن اسلامی با قوانین مشخص، به سیر تکاملی جامعه سمت و سو و سرعت بخشید. البته از طرف دیگر نیز باید بر انطباق قواعد و اصول اسلامی با طبایع و فطرت بشری، و نیز سادگی و بی‌پیرایگی منحصر به فرد این قوانین نیز اشاره داشت که خود عاملی در اعتلا و گسترش این تمدن محسوب می‌شد (فوزی و صنعم زاده، ۱۳۹۱: ۱۹).

۴-۲- عدالت‌گرایی

شاخص دیگر تمدن نبوی عدالت گستری است - عدل به معنای دادگری، حق، تناسب و ضدیت با جور غیر از مساوات و برابری است. چه این که مساوات همیشه عدل نیست ... اصطلاح عدل را، «وضع الشيء فی موضعه و اعطاء کل ذی حق حقه» می‌دانند. یعنی هرچیز به جای خویش نیکوست و حق هر صاحب حقی را به وی دادن. از این رو عدل و عدالت محوری یکی از محوری‌های اساسی تمدن

اسلامی محسوب می‌شد به ویژه که جامعه آن روز به صورت مستقیم تحت تأثیر تعالیم و حیانی و توصیه‌ها و اندازهای اولیای دینی قرار می‌گرفتند. جامعه متمدن اسلامی در اجرای عدالت و تأمین حقوق همه مردم بنا گردیده بود. بر این اساس، بهره‌مندی از نظام به پادارنده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته‌های جامعه و تمدن اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار میرفت و نادیده انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی هستی است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۷۴). در این تمدن نظام ارزشی جامعه، نظام فکری آن و نظام رفتاری همه بر پایه عدل است و حتی شنائت و پستی دشمن نیز مجوز آن نمی‌شود که خلاف عدالت رفتار شود. در همین رابطه در سوره مبارکه مائده چنین آورده شده که: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده، آیه ۸). یعنی اینکه: «البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید، عدالت کنید که آن به تقوی نزدیک تر است». رسول خدا صلی الله علیه و آله در تعریف آن می‌فرماید «من صاحب الناس بالذی یحب ان یصاحبوه کان عدلاً»، یعنی اینکه: «هر که با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند، عادل است». بر این مبنا تمدن نبوی بر انصاف بنا نهاده شده است، یعنی آن چه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز می‌پسند. در این تمدن به فرموده رسول گرامی اسلام ظلم نیست، دروغ وجود ندارد، خلاف وعده عمل نمی‌شود. با این تفاسیل مبرهن می‌گردد که عدالت در این تمدن از اهمیت بالایی برخوردار است. تا جایی که در سوره مبارکه حدید اشاره شده که: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۲۵). یعنی اینکه: «همانا ما پیامبرانمان را با معجزات و دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند و آهن را که در آن نیرویی شدید است و منافع برای مردم دارد فرو آوردیم (تا از آن بهره گیرند) و تا خداوند معلوم دارد چه کسی او و پیامبرانش را به نادیده و در نهان یاری می‌کند. همانا خداوند، قوی و شکست‌ناپذیر است».

۴-۳- خردگرایی و دانش اندوزی

یکی از پایه‌های اساسی برپادارنده و قوام دهنده تمدن اسلامی، سرآمدی علمی و دانشی در حوزه‌های موضوعی علوم طبیعی، پزشکی، انسانی و اجتماعی بود. از همین رو بود که پیامبر عظیم الشان

اسلام به استناد دستورات وحی و آیات صریحی چون: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» و «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» مسلمانان را به آموختن علم فرا خواند، حتی اگر در چین باشد. از سوی دیگر فتوحات اعراب در سرزمین‌های متمدن، از مدیترانه تا هند و آسیای مرکزی، ارزش‌ها و غنای علمی و فرهنگی بسیاری برای مسلمانان به همراه آورد. مسلمانان از همه سو به فرهنگ و تمدن غنی یونان و آثار ارزشمند اخلاقی کنفوسیوسی، بودایی و زرتشتی، در چین و هند و ایران دست یافتند. شهرهایی چون کوفه، بصره و بغداد به سرعت بر پا شد و به صورت مراکز مهم گسترش علوم مختلف در آمد. اسلام از اندلس تا چین نفوذ یافت و در همه جا برحسب استعداد و هوش و فطرت اصلیه سکنه ممالک مفتوحه، آنان را به تحصیل علوم برانگیخت (قراگوزلو، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷).

۴-۴- آزادی عقاید و باورها

اسلام به آزادی و فسخ برده‌داری رای داد و با احترام به پیشگاه زنان، از زنده به گور کردن ممانعت به عمل آورد. از همین روی بود که نخستین بارقه‌های امید و کوشش جهت تمدن‌سازی از بعد حقوق انسانی نیز عینیت یافت. در همین راستا اسلام بر آزادی ابراز عقاید تأکید کرد و به مسلمانان مژده داد و آموخت که با تحمل یکدیگر، همه گفتمان‌ها را بشنوند و بهترین‌ها را برگزینند (قراگوزلو، ۱۳۸۷: ۱۴).

۵- انقلاب اسلامی ایران و ظرفیت‌های تمدن‌سازی

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مردمی بر پایه مکتب اسلام است. این انقلاب هم به مانند اسلام هم فرهنگی بوده است و هم تمدنی، چون در یک کلام اسلامی بوده است و چون حدودش تمدنی است، چاره‌ای جز این ندارد که بقای تمدنی نیز داشته باشد (خرم‌شاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۴-۷). به این معنا انقلاب اسلامی باید بتواند الهام بخش و مبنای شکل‌دهی تمدن نوینی در ایران باشد، در غیر این صورت محکوم به زوال و نابودی خواهد بود (خرم‌شاد، ۱۳۹۲: ۱۳۹). حال می‌توان این سوال را پرسید که آیا انقلاب اسلامی ایران ظرفیت و پتانسیل تمدن‌سازی دارد؟ لازم به ذکر است که چهار ویژگی پایه‌ای انقلاب اسلامی یعنی تحول انقلابی، فرهنگ محوری، فراملی‌گرایی، الهام بخشی (خرم‌شاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰) از زمره اصول زیربنایی این انقلاب می‌باشند که ظرفیت عظیمی به منظور تمدن‌سازی نوین ایجاد کرده‌اند. درخور توجه است که در جهان امروز آثار قدرت فرهنگی و سیاسی انقلاب

اسلامی از عراق تا لبنان، از افغانستان تا فلسطین، از پاکستان درمنتهای الیه آسیای جنوب شرقی (مالزی و اندونزی)، از یمن تا سودان، از ترکیه تا الجزایر، از خلیج فارس تا مصر، از قفقاز تا آسیای میانه، از آذربایجان تا تاجیکستان، از آسیا تا آفریقا و از آفریقا تا آمریکای لاتین و حتی آمریکای شمالی و اروپا مشهور و عیان است. برخی از ابعاد تأثیرگذار و تعیین کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران عبارتند از داشتن رسالت و پیامی جهان شمول و بهره‌مندی از جایگاهی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، موفقیت در ارتقای اندیشه دینی و معنویت و اخلاق، مطرح ساختن عدالت توأم با معنویت و صلح توأم با عدالت، تأکید بر سلطه ستیزی، نفی ظلم و حمایت از مظلوم در اصول سیاست خارجی خود، تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، بهره‌مندی از جایگان رهبری بیداری اسلامی و اسلام سیاسی در جهان، اسلامی - جهانی سازی مبارزه با صهیونیسم در مقابل عربی سازی و منطقه‌ای و محدود نگه داشتن آن، تبدیل مقاومت به یک ارزش و اصل در روابط بین‌الملل، ایجاد نقش مثبت، سازنده و راه‌گشا در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای، الهام بخشی به جنبش‌های اسلامی و حمایت از آنها، توفیق در راه‌اندازی جنبش نرم افزاری تولید علم و رشد شاخص‌های فناوری و علمی (خرم شاد، ۱۳۸۸: ۱۲).

تأمل در ویژگی‌های فوق مبرهن می‌سازد که در واقع انقلاب اسلامی ایران، نه فقط یک انقلاب سیاسی بلکه انقلابی در تمدن سازی نیز بود و ثمره آن در زمینه موضوع تمدن، طرح مساله‌ای است به نام تمدن نوین اسلامی که مبانی آن نه همچون تمدن غرب، بر اساس اومانیسم و اتکا به عقل ابزاری و با هدف تامین نیازهای محدود جامعه بشر که بر اساس خدامحوری و استفاده از وحی در کنار عقل بشری و با هدف تامین نیازهای واقعی انسان و با در نظر گرفتن ابعاد کامل انسان شکل گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص ظرفیت‌های تمدن سازانه انقلاب اسلامی بیان می‌دارند که: «انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته‌ی متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه‌ی دنیا برقرار کند؛ و این در زمان شما خواهد بود، ان شاء الله به دست شما خواهد بود، با همت شما خواهد بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۲۳). معظم له تحقق تمدن نوین اسلامی را قطعی می‌دارند و بیان می‌دارند که: «من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است.

نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوزه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷). با نگاهی گذرا بر برخی شاخصه‌های تجربه جمهوری اسلامی ایران، می‌توان شواهدی را بر عینیت سازی ظرفیت‌های تمدنی این تجربه مطرح ساخت که در ادامه به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

۱- به لحاظ تاریخی، جمهوری اسلامی، با در اختیار داشتن فراز و نشیب‌هایی همچون جریان مشروطه و پیش تر از آن، تجربه حکومت شیعی صفویه را در اختیار دارد. از این رو، خود این تجربه یک بستر تاریخی دست کم یکصد ساله را در پیشینه خود دارد؛

۲- جمهوری اسلامی، از یک مکتب فکری غنی و ارزشمند برخوردار است که انقلاب اسلامی تبلور عینی آن بوده و جمهوری اسلامی در مراحل تکاملی آن انقلاب مکتبی تعریف می‌شود. این مکتب فکری که در دامن مبانی و معارف اسلامی شکل یافته است، خود محصور یک موجودیت نهادی و اصیل دینی با عنوان حوزه های علمیه شیعه به شمار می‌آید؛

۳- جمهوری اسلامی در هم‌آوردی با تمدن غرب تجربه قابل ملاحظه و درخور مطالعه‌ای دارد؛

۴- جمهوری اسلامی دارای یک ساختار حکومتی درونی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه است که حیات حدود سی و پنج ساله را تجربه می‌کند. اگر چه به لحاظ ساختار تمدنی هنوز به بلوغ نرسیده است؛

۵- پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایران در دوره جمهوری اسلامی، به لحاظ روند تاریخی قابل توجه بوده است (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

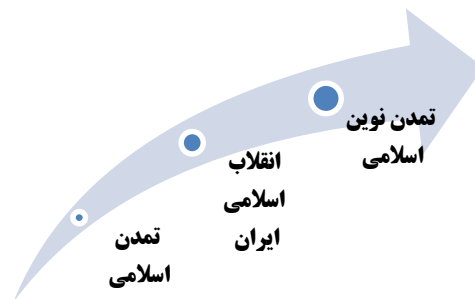
از همین روی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابتدا و علم به وجود "ظرفیت‌ها معنوی و آورده‌های مادی" تمدن‌سازی انقلاب اسلامی، پنج گام اساسی ذیل را جهت نیل به وضعیت تمدنی نوین ارائه می‌دهند.



رهبری در ارتباط با پنج گام فوق بیان می‌دارند که انقلاب اسلامی خود یک مرحله از سلسله مراحل تمدن سازی است و مرحله تمدن نوین هم در اصل باید مفری جهت ورود به عصر مهدویت و جامعه کمال مطلوب قلمداد شود. معظم له فرجام انقلاب اسلامی را در سه مورد کلی ذیل خلاصه می‌کنند:

- تحقق حیات طیبه برای همه ملت ایران؛
 - تشکیل تمدن نوین اسلامی؛
 - زمینه سازی ظهور حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰).
- با این تفاسیل باید بیان داشت که سرگذشت انسان‌ها و کشورهایی که در طول تاریخ منشأ تحولات شگرف ماندگار و رخدادهای کم نظیر علمی، اختراعات و تولیدات شایان توجه و همچنین نوآوری در حوزه اندیشه ورزی شده‌اند، اغلب از رهگذر برپایی تمدن‌های بزرگ میسر شده است. به همین اعتبار، کشورهای مستعد، اغلب در پی برپایی تمدن‌های بزرگ یا دست کم الگوسازی تمدنی بوده‌اند (جهانبین و فتحی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نیز این ظرفیت را دارد و به علاوه جهت پایداری و استحکام باید به سمت تمدن نوین گام بردارد. به عنوان نکته پایانی این بحث باید توجه داشت که تمدن با هر سرزمینی و با هر نژادی سازگار و قابل دوام است. اما در هر سرزمینی که ارکان تمدن مانند نیروی مادی و معنوی، قوای جسمی و روحی هماهنگ باشد و به طور مساوی تکامل پیداکنند می‌تواند در راه تمدن گام بردارد بدان معناست که تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی درخور هم بودند و باهم موافق بودند و این ظرفیت در ایرانیان بود که تمدن اسلامی را در دنیا پیشگام و سربلند کنند. براین اساس پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن موجب تحول گفتمانی شده و برای اولین بار شرایطی را فراهم کرده که مسلمانان میراث گران‌بهای فرهنگی و تمدنی خود را در حوزه‌های فقهی،

فلسفی، کلامی و... که البته پاسخگو به نیازهای زندگی در عصر حاضر هستند را بازشناسی کنند. چنانچه کوچکترین تغییری در این گفتمان ایجاد شود و یا تحت تأثیر غرب و تمدن آن قرار بگیرد راه پیشرفت و تمدن‌سازی بسته می‌شود و همانند گذشته و مانند دیگر کشورها از تمدن وارداتی بهره بگیریم و این پشوانه‌ی فرهنگی ایران را با آن سابقه‌ی درخشان تمدن اسلامی و آن همه تعلیمات به روز اسلامی را از دست خواهیم داد و به صورت اجباری زیر سایه‌ی فرهنگ و تمدن غربی زندگی خواهیم کرد (گرجی، ۱۳۹۴: ۶-۷). از این رو انقلاب اسلامی با داشتن قابلیت‌های تمدن‌سازی و تأکید ویژه بر بعد اسلامی می‌تواند حلقه واسطی بین تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی باشد. از همین روی با این مقدمه می‌توان وارد مبحث تمدن نوین اسلامی شد.



۶- تمدن نوین اسلامی

تلاش جهت برپایی تمدنی جدید با عنوان تمدن نوین اسلامی که از سویی ریشه در تمدن سابق داشته و از سوی دیگر با شاخصه‌های دیگری متناسب با جهان کنونی جهت برقراری وضعیت تمدنی معرفی می‌سازد از زمره مباحث اساسی است که سالیان متمادی است که ملحوظ نظر حوزه و دانشگاه قرار گرفته است، منتها این مهم بیشتر در اندیشه رهبری ریشه دارد. در این بخش ضمن توجه به برخی مطالب پایه‌ای، بیشتر به بیانات رهبری استناد می‌شود؛ چرا که در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی نکات راهنمای درخور تأملی به چشم می‌خورد که در واقع به عنوان گنجینه اطلاعاتی می‌تواند راهبر دست اندرکاران کشوری و حوزه فرهنگی - تمدنی قرار گیرد. حال این سوال مطرح می‌شود که تمدن نوین اسلامی چیست؟ تمدن‌سازی نوین اسلامی یعنی احیای تمدن اسلامی بر اساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکانی که در آن قرار داریم و نیز با الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی در گذشته تاریخ و نیز درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن شد و

علت نوین خواندن آن این است که این تمدن، با الگوهای جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف‌های تمدن سابق در حال شکل‌گیری می‌باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی به صورت دقیق لوازم و مقتضیات این تمدن را بیان می‌کنند. معظم له در این رابطه بیان می‌دارند که: «هدف نهائی نمی‌تواند چیزی کمتر از ایجاد تمدن درخشان اسلامی باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملتها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

بر طبق این بیان رهبری باید بیان داشت که تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آن را از آفاتی که بشر دچار آن شده است مثل پوچ گرایی، عدم احساس امنیت، نابرابری، و فقدان معنی در زندگی نجات خواهد داد و طلیعه این تمدن نوین اسلامی همان تداوم و استمرار انقلاب اسلامی و برپائی و استقرار نظام جمهوری اسلامی است که توانسته دو بعد اصلی تمدن یعنی نرم افزاری و سبک زندگی و بعد سخت افزاری و مظاهر توسعه و پیشرفت را در کنار هم دیگر تعریف کند و بشارت به برپایی این تمدن نوین اسلامی را به بشریت بدهد (خادم، ۱۳۹۴). رهبری در این رابطه بیان می‌دارند که: «دو بخش ابزاری و حقیقی وجود دارد. هر دو بخش مهم و در خور توجه است، بخش متنی و حقیقی همان سبک زندگی مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل

کار، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما با یک دوست، رفتار ما با دشمن ... این موارد چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد. اما بخش ابزاری، که شامل ارزشهایی است که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی که علی رغم فشارها و تهدیدهای خارجی شاهد موفقیت های فراوانی در کشور هستیم. (خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

با این تفصیل مبرهن می گردد که تمدن نوین اسلامی وضعیتی است که جهت تشکیل آن نه روی یک قسم سخت به صورت صرف تأکید می کند و نه در حوزه نرم افزاری و اندیشه ای محدود و منحصر باشد، بلکه ماهیتی چندسببی و چندعلیتی دارد که از کنارهم گذاردن و در هم کنش مجموعه ای از عوامل، وضعیت مطلوب تمدن نوین به منصه ظهور خواهد رسید. جهت رسیدن به این جایگاه مطلوب، بایسته ها، نبایسته ها و الزامات بی شماری وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد که در یک تقسیم بندی کلی می توان به دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن اشاره کرد. از این رو این سوال مطرح می شود که این اقتضائات ابزاری (سخت افزاری) و الزامات اصلی و حقیقی (نرم افزاری) کدامند؟ لازم به ذکر است که این الزامات ذیل دو مبحث نرم افزاری و سخت افزاری مورد بررسی قرار می گیرند.

۶-۱- ابعاد نرم

بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی ناظر بر جنبه های دینی و معنوی اندیشه ای و فکری - مطالعاتی، مسائل روحی و روانی و سبک زندگی فردی و اجتماعی و... را در بر می گیرد. این بعد خود مشتمل بر دو لایه داخلی و خارجی است.

۶-۱-۱- بعد داخلی

این لایه مربوط به مسائل داخل کشور و در حوزه های موضوعی زیربنایی اجتماعی و فرهنگی می باشد که اهمیت پایه ای و حیاتی دارد. در خور توجه است که قسم داخلی به لحاظ اهمیت بر ابعاد خارجی ارجحیت و اولویت دارد؛ چرا که نقصان در این بعد جمهوری اسلامی ایران را جهت پیگیری اهداف تمدن نوین اسلامی در سه گانه ساحت بندی داخلی، الگوسازی و الگودهی منطقه ای و بین الملل با چالش مواجه خواهد ساخت. از همین روی است که گام اول جهت نائل آمدن به وضعیت تمدنی، توجه و تأکید بر پیشرفت و مصونیت در حیطه های موضوعی داخلی است و در صورت پیشرفت در این

ابعاد پیگیری مقاصد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به سهولت و سرعت بیشتر صورت می‌پذیرد و کشور قادر خواهد بود با کمترین هزینه و با نتیجه‌گیری مطلوب‌تر و حداکثری به اهداف نوین تمدنی نائل گردد.

۶-۱-۱-۱- مسئله‌یابی و نیازشناسی به موقع و دقیق

مسئله‌یابی و نیازشناسی مهم‌ترین قسم می‌باشد و جامعه‌ای که مسئله نداشته باشد و یا مسئله‌شناسی به صورت دقیق و به موقع بر اساس نیازهای کلان و راهبردی صورت نگیرد، دچار واپس‌گرایی و خسران مادی و معنوی می‌شود. مسئله‌شناسی به موقع و تحلیل دقیق مسئله گام ابتدایی و اساسی تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود که تأمل و تدبیر در خصوص آن اهمیت راهبردی و حیاتی دارد. معظم‌له در این خصوص بیان می‌دارند که: «برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۳/۲۵).

۶-۱-۱-۲- جهاد کاری

به دنبال مسئله‌یابی و نیازشناسی تمدنی بلافاصله لازم و متحتم است که کوشش جهادی، همت و عزم راسخ جهادی و جبهه همت قرار گیرد. در بطن جهاد تمدنی قاعده ایمان به هدف از یک سو و کوشش مستمر و بی وقفه از جانب دیگر نهفته است. جهاد کاری فعالیتی غیرانقطاعی است. رهبری در این خصوص بیان می‌دارند که: «جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۱). رهبری در همین رابطه بیان می‌دارند که: «بدون ایمان و تلاش و پرداخت هزینه‌های لازم هیچ تمدنی امکان تحقق نمی‌یابد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). معظم‌له پیشبرد ایده تمدن نوین اسلامی را منوط به تلاش همگانی آحاد مردم و مسئولین می‌داند و بیان می‌دارند که: «عزیزان من کشور می‌تواند پیش برود. اینکه من بارها می‌گویم تمدن اسلامی و بارها می‌گویم ایران می‌تواند قلّه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعیتهای کشور است. ما میتوانیم؛ ما

می‌توانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتمان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجاهایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اول گفتیم، هرکس مسئول است حق آن مسئولیت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۸).

۶-۱-۱-۳- مشارکت و حرکت مردمی

مردم مهم‌ترین پیشران ساخت تمدن نوین به شمار می‌روند که اعتقاد، همت و تلاش مستمر آنها در راستا و در طول تمدن نوین یا برعکس انفعال و عدم کوشش و یا حتی بی‌اعتقادی یا حرکت در عرض تمدن نوین اسلامی، تأثیر مستقیمی بر پیشبرد یا عقب‌گرد ایده تمدنی بر جای می‌گذارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با وقوف به این مسئله و اشراف بر چگونگی نقش‌آفرینی کنشی مردم در تمدن‌سازی نوین، بیان می‌دارند که: «این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی پردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۲۷). از همین روی است که معظم له مردم را مهم‌ترین پیشران در بلوغ تمدن‌سازی و از سویی حافظان و صاحبان تمدن نوین می‌داند و بیان می‌دارند که: «تمدن واقعی برای مردم ما تمدن ایرانی است؛ تمدنی است که متعلق به خود ماست؛ از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است. راه حل حقیقی، راه حل بومی است. باید بذر سالم خودمان را بپاشیم و مراقبت کنیم تا سبز شود؛ دنبال تقلید از این و آن نباشیم (۱۳۸۰/۲/۱۲). از این رو است که رهبری بیان می‌دارند که: «ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹). در نهایت رهبری با اشاره به اینکه این حرکت مردمی باید همراه با استقامت و پایداری باشد بیان

می دارند که: «عزم و اراده‌ی محکم و پایدار داشته باشید در این راه. راه، راه درستی است؛ هدف، هدف بسیار والایی است، و اقدام جوانهای امروز، مردم امروز، برادران و خواهران ما در حرکت در این راه مبارک انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، حرکت محبوب الهی است ان شاء الله؛ راه رسیدن به تمدن اسلامی و نظام حقیقی اسلامی و جامعه‌ی اسلامی راه دشواری است؛ راهی است که پیغمبران در این راه با زحمت حرکت کردند و پیش رفتند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۸/۱۸).

۶-۱-۱-۴- دشمن‌شناسی و رقیب‌شناسی به موقع و دقیق

تمدن نوین اسلامی در شرایط کنونی هم به لحاظ فکری و معرفتی و هم ایده‌های عملیاتی و راهبردی در معرض تهدید و ارباب دشمنان بیرونی و رقبای تمدنی قرار دارد. در صورت اهمال نسبت به شناخت به موقع و دقیق دشمنان و همچنین رقبای ظاهری و پنهانی و سنجش درست برنامه‌های آنها، خللی جدی در روند تمدن نوین اسلامی ایجاد می‌شود تا جایی که این مهم - عدم دشمن‌شناسی - حتی می‌تواند در غایت امر منجر به عقب‌گرد تمدنی گردد. در شرایط کنونی تمدن نوین اسلامی توسط الگوی غربی به شدت و به صورت برنامه‌های براندازانه و تحریمی، تهدید می‌گردد و هژمون تمدن غرب یعنی ایالات متحده آمریکا به جملگی اهرم‌های نرم و سخت جهت عدم شکوفایی جمهوری اسلامی و پیشبرد ایده‌های تمدنی ایرانی - اسلامی متوسل می‌گردد. معظم له در همین رابطه بیان می‌دارند که: «هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت به جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریم‌ها به‌خاطر این است. بله، بنده هم عقیده‌ام این است که هدف تحریم‌ها مسئله‌ی هسته‌ای فقط نیست، مسئله‌ی حقوق بشر هم نیست، مسئله‌ی تروریسم هم نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۱۳). نظر به ضعف اقتصادی ایران و تأثیر آن بر تمدن‌سازی نوین و وقوف دشمن به این مهم و اشراف رهبری به این نقطه آسیب‌پذیری، معظم له بیان می‌دارند که: «دشمن حداکثر استفاده را از حربیه‌ی تحریم دارد می‌کند؛ هدفشان هم این است که ملت ایران را تحقیر کنند؛ هدفشان این است که این حرکت عظیمی را که فقط روی دوش ملت ایران می‌توانست انجام بگیرد، متوقف کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به‌سمت تمدن نوین اسلامی را می‌خواهند متوقف کنند» (۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

از این روی است که بنا به عقیده معظم له یکی از دلایل اعمال تحریم‌ها تلاش جهت جلوگیری از ساخت تمدن نوین اسلامی است که از رهگذر ایران اسلامی با دارا بودن اقتصاد پویا میسر می‌گردد.

۶-۱-۱-۵- ایمان و معنویت‌گرایی

در بطن تمدن نوین اسلامی ایمان، معنویت و تقوا هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی به صورت کلان نهفته است و در واقع موتور محرکه و مهم‌ترین سنجه این تمدن جدید، دین، دین‌مداری و نصب العین قراردادن دستورات، توصیه‌ها و انذارهای ائمه (ع) و اولیای الهی قرار دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای امر بیان می‌دارند که راه‌برپایی و ماندگاری تمدن نوین از رهگذر معنویت میسر می‌گردد با انگیزه‌های مادی نیل به تمدن نوین مهیا نخواهد شد. معظم له در این رابطه بیان می‌دارند که: «ملت عزیز ما و شما عزیزان باید این فرصتی را که خدای متعال در اختیارتان گذاشته است قدر بدانید. این اقبالی که دل‌های شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجّه و تضرّع دارد، خیلی باارزش است. این، همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها- لااقل در چند قرن از قرون اولیه- دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجّه به خدا و توجّه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و الا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). معظم له انس و توکل به خدا و توسل به ائمه را مهم‌ترین مؤلفه و پشتوانه‌ی ثبات قدمی در حیطه تمدن‌سازی نوین می‌دانند و بیان می‌دارند که: «ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم که در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مومن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیع که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۳۱). معظم در همین رابطه بیان می‌دارند که: «بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید

حرکت میکند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگِ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکیدی زیادی بر روی مکتوب سازی معارف تمدن ساز در کتاب‌های درسی دارند و بیان می‌دارند که: «سالهاست که ما یک مسائلی را در کتابها می‌گنجانیم؛ بعضی‌ها خارج می‌کنند، بعضی‌ها داخل می‌کنند. ببینیم چه لازم است از معارف الهی، معارف اسلامی، معارف مدنی، معارف تمدن‌ساز، معارف انسان‌ساز؛ معارفی که یک ملت را سربلند می‌کند، پیشرو می‌کند، پیشتاز می‌کند؛ که اگر در کتاب‌های ما وجود ندارد، آنها را بگنجانیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۸). در پایان اشاره به دو نکته مورد تأکید رهبری شایان توجه است. یکی اینکه وی ایمان به خدا را مهم‌ترین عنصر هم در تولید فکر و هم در پرورش انسان - به مثابه پایه‌های اصلی قوام بخش تمدن سازی - می‌داند و بیان می‌دارند که: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴). نکته دیگر اینکه رهبری تأکید زیادی بر روی معنویت، ایمان و تقوای دینی جوانان به عنوان مسئولان آینده کشور و متولیان امر خطیر تمدن نوین اسلامی در افق پیش رو می‌داند و بیان می‌دارند که: «جوان‌ها بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه

بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به انجام خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان شاء الله توفیق انجام این کار را داشته باشید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۶-۱-۱-۶- جهاد فرهنگی و سبک زندگی

سبک زندگی و نوع فرهنگ حاکم بر جامعه که نشأت گرفته از معرفت دینی و برآمده از دستورات قرآنی باشد یکی از ستون پایه‌های تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود و این مسیر نیازمند جهاد است. رهبری سبک زندگی را نیازمند جهاد می‌داند و بیان می‌دارند که: «جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث می‌کنیم، همه شکلهای و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام یک جهاد است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۵/۱) معظم له با تأکید بر اهمیت فرهنگ زندگی و تأثیر آن بر تمدن سازی نوین بیان می‌دارند که: «باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲). رهبر معظم انقلاب اسلامی با پیوند میان فرهنگ و سبک زندگی بیان می‌دارند: «اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت دارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۳). رهبری سبک زندگی را درون ساخت و درون زا می‌داند و لذا تقلید محوری کشور را از ایده تمدن نوین اسلامی دور خواهد ساخت. در همین رابطه بیان می‌دارند که: «برای ساختن این بخش [اصولی و اساسی] از تمدن نوین اسلامی [که همان سبک زندگی است]، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های

زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

۶-۱-۱-۷- عدالت و مساوات

عدل و مساوات در اجتماع، در روابط بین فردی، روابط بین جامعه مدنی و دولت، در سازو کارهای حکمرانی و ... اهمیت زیادی در تمدن نوین اسلامی دارد که به عنوان یک بن‌مایه در ذهن و انگاره‌ها، باورها، قضاوت‌ها و حرکت مردم در طول یا عرض این تمدن تأثیرگذار است. در بطن اسلام و قرآن و متن توصیه‌ها و اندازهای ائمه و همچنین امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، توصیه به عدل و مساوات محوری شده است. در واقع تمدن نوین بدون عدالت موجب قدم‌گذاردن در گستره و مسیر تمدن غرب می‌گردد؛ چرا که در تمدن غرب عدالت فردی و اجتماعی به معنی حقیقی آن به چشم نمی‌خورد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در یک کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره‌ی مادی را از آن کشور می‌برند و در همان کشور، در خیابانها مردم از سرما و گرما می‌میرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیر عملی در آن کشور است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲). معظم له ضمن تأکید وافر بر تأثیر عدالت بر قوام بخشی فکری و عینی به تمدن نوین اسلامی، یکی از علل زوال و انحطاط تمدن‌ها را بر وجود قدرت بدون عدالت می‌دانند و در این رابطه بیان می‌دارند که: «زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست. تمدن‌ها بعد از آن که به اوجی رسیدند، به خاطر ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند. ما نشانه‌ی این انحطاط را امروز در تمدن غربی مشاهده می‌کنیم، که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴). در همین رابطه مجدداً بیان می‌دارند که: «آیا داریم به سمت ایجاد تمدن

اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

۶-۱-۱-۸- اخلاقی و رفتار حسنه

اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است و در اندیشه رهبری تأکید زیادی روی این قسم از زندگی در جامعه اسلامی گذارده شده است. درخور توجه است که معظم له معنویت و اخلاق را همان عاملی می‌دانند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. معظم له در خصوص اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ بیان می‌دارند که: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹). از همین روی است که بنا به اندیشه رهبری در سایه محیط سالم اخلاقی و روح پرورش یافته است که تمدن نوین اسلامی غنا و عمق می‌یابد.

۶-۱-۱-۹- آزادی فکر، اندیشه و بیان

در فضایی اندیشه‌ها بارور می‌شوند و به شکوفایی می‌رسند که محدودیت، محضوریت و تهدیدی بر تولیدکنندگان آن مترتب نباشد و مصونیت عینی و روانی عینیت و مصداق خارجی داشته باشد. در غیر این صورت اندیشه‌ها از کالبد ذهنی خارج نخواهند شد، اندیشه‌هایی که چه بسا می‌توانست منشاء تحولات عظیم، ابداعات و اختراعات درخوری در مسیر تمدن نوین اسلامی گردند. آزادی اندیشیدن، فکر و آزادی بیان اندیشه‌ها با رعایت مصالح حکومت اسلامی و در چارچوب اصول پذیرفته شده قانونی - دینی امری ضروری در تمدن سازی نوین اسلامی است. معظم له با وقوف نسبت به این مهم بیان می‌دارند که: «برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با حمایت حکومت اسلامی و هدایت علماء و

صاحب‌نظران، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

۶-۱-۱-۱۰- خردگرایی و آینده‌نگری

تولید فکر مبتنی بر عقلانیت و خردگرایی مسئله‌ای مبنایی در تمدن نوین است و در واقع عقل آمیخته به معنویت نقش فرمانده در هدایت و جهت‌دهی به تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند و اهمیت بی‌بدیلی دارد. رهبری در این خصوص بیان می‌دارند که: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکران و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست. یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ اسلامی را با اختلال مواجه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹). معظم له خرد ورزی را یکی از عوامل پیشرفت تمدن نوین می‌دانند و بیان می‌دارند که: «اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به‌طور جدی به این مقولات پردازیم و گرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در کنار عقل‌گرایی و خردورزی رهبر معظم انقلاب اسلامی آینده‌نگری را نیز ضروری می‌داند و بیان می‌دارند که: «آنچه مهم است این است که نگاه نسل نو و همه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمانهای بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسلها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۲۳).

رهبری با اشاره به ترکیبی از خرد ورزی، عقل‌گرایی، وجود پتانسیل شایان توجه در ملت ایران بیان می‌دارند که: «ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به

عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده‌ی خودمان نگاه کنیم؟ یک روزی تاریخ ما به ما نشان می‌دهد که قضیه بعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله‌ی پیشرفت باید آنچور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

۶-۱-۱-۱۱- جهاد علمی و دانشی

در هم تنیدگی کارویژه‌های تمدن و دانش به خصوص کانون‌ها و نهادهای دانش آشکار بوده و در طول تاریخ در اعتلا و نگاهداری ارزش‌های انسانی نقش مهمی داشته‌اند. تمدن‌ها همواره با تکیه بر دانش، محتوای راگسترش داده و ساختارهای بنیادین خود را توسعه بخشیده‌اند (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). رهبر معظم انقلاب اسلامی بر این اعتقادند که علم منجر به برقراری حیات طیبه و قوام، دوام و غنای تمدن نوین اسلامی می‌گردد و بیان می‌دارند که: «یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. یک ملتی بتواند در مجموعه‌ی دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیبه است. غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفت‌های مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرف‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۹). رهبری در تکمله‌ای بر بیان قبلی خود اشاره می‌کنند که: «جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله‌ای با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این جوری؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۲۰). رهبر انقلاب اسلامی در کنار همگانی دانستن مقوله علم، نقش دست‌اندرکاران و متولیان مسئول در بخش پژوهشی را در راستای این امر خطیر مهم می‌دانند و بیان می‌دارند که: «از شورای محترم انقلاب فرهنگی و بویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید»

در عرصه علوم و فنون و صنایع و بویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای اینکار بزرگ بتدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). معظم له نقش نهاد آموزش و پرورش را در مسیر نهضت علمی در راستای تمدن نوین اسلامی خطیر می‌دانند و تأکید می‌کنند که: «همه‌ی دستگاه‌ها در دولت، وظیفه‌ی پشتیبانی آموزش و پرورش را دارند؛ اینجا جایی است که ثروت‌سازان آینده، علم‌سازان آینده، تمدن‌سازان آینده، مدیران آینده، از اینجا به‌وجود خواهند آمد و خلق خواهند شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۱۷).

در پایان باید بیان داشت که در تمدن نوین اسلامی علم باید همراه با معنویت باشد و علم بدون معنویت، انسان و کشورها را به بیراهه راهبری می‌کنند. معظم له در این خصوص بیان می‌دارند که: «ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت را به‌کار نگیرد فساد و فتنه‌انگیزی است. برعکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

۶-۱-۱-۱۲- رسانه‌های مدرن و تولید محتوای مؤثر و قوی

امروز انحصار صحنه‌گردانی در عرصه سیاست بین الملل از دست هیئت‌های دیپلماتیک و مبلغان مذهبی که به صورت فیزیکی از سرزمینی به سرزمین دیگر مامور می‌شدند، خارج گردیده و در عصر رسانه‌ای دیجیتال صوتی، تصویری و فضای مجازی با تولید محتوای متنی که به صورت همزمان مخاطبان زیادی را در اقصای نقاط دنیا در درون گروه‌های خبری و کانال‌های ارتباطی گردآورده است، مرزهای سرزمینی تا حدودی اهمیت خود را از دست داده است. از همین روی است که بنگاه‌های خبرسازی و اهرم‌های رسانه‌های خبرپراکنی بیش از پیش جلوه‌گری کرده و اهمیت یافته‌اند. جهان غرب در این راستا از مدت‌ها پیش در تلاش جهت مهندسی اجتماعی افکار و اذهان دیگر جوامع و بویژه گستره‌های با غنای فرهنگی همانند ایران هست که در واقع یک تهدید تمدنی برای تمدن غرب

به شمار می‌رود. با این وجود در شرایط کنونی که نوعی جنگ رسانه‌ای و جنگ ایده‌پردازی در سطح فضای مجازی به راه افتاده است، ضروری است که جمهوری اسلامی ایران نیز اهتمام ویژه‌ای نسبت به این مقوله داشته باشد و ایده‌های منطقی و هویت بخشی در خصوص تمدن نوین اسلامی - با ابتنای به معارف غنی اسلام و فرهنگ ریشه دار تمدنی ایران - تولید کند. رهبری در این خصوص بیان می‌دارند که: «رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گفتگوی آزاد و دوجانبه و چندجانبه‌ی بین ملت‌ها باشند. این یکی از بزرگ‌ترین امتیازات رسانه‌های عمومی و فراگیر است. رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملت‌ها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله‌ی بسیار ارزشمندی است. می‌توانند سطح آگاهی و معرفت مردم را ارتقاء دهند. اگر رسانه‌ها در دنیا عادلانه اداره شوند، جاده‌ی رسانه‌ای، یک جاده‌ی یکطرفه نباشد، ملت‌ها به معنای حقیقی کلمه، حرف یکدیگر را گوش کنند و مفاهیم محترم در نزد یکدیگر را بشناسند، این به نزدیکی ملت‌ها کمک خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۲۶). معظم له اسلام در همین رابطه به نکته مهمی دیگری اشاره می‌کند: «امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۲/۲۸).

۶-۱-۲- بعد خارجی

۶-۱-۲-۱- وحدت اسلامی

در هیچ برهه‌ای از تاریخ روابط بین‌الملل و زیرسیستم‌های منطقه‌ای اهمیت ائتلاف‌ها به مانند شرایط کنونی مهم و اولویت نیافته است و کشورها و مناطقی به نحو بهتر به منافع خود نیل می‌کنند که اتحادهای قدرتمندی به ویژه به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی تشکیل داده باشند. از این نظرگاه ائتلاف سازی و وحدت محوری مجموعه جهان اسلام یکی از محورهای اساسی مطمح نظر رهبری است. معظم له جهان اسلام را دارای امکانات شایانی در حرکت در مسیر تمدن اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند که: «جهان اسلام از امکانات بی‌شماری در همه زمینه‌های زندگی بشر برخوردار و با رنج‌های بزرگی دست به گریبان است. نیاز به معرفت و جدیت و همکاری برای نیل به حیات طیبه‌ی تمدن اسلامی، نیاز به یکپارچگی و هوشیاری برای مقابله با خطرهای دشمنی‌ها و نیاز به اخلاص و صمیمیت

برای جلب رحمت و کمک الهی، مشهود و مورد قبول همگان است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۹/۲۱). رهبر انقلاب اسلامی با برشمردن این ظرفیت در واقع علل دشمنی هژمون تمدن غرب یعنی آمریکا با اسلام را نیز بیان داشته و اشاره می‌کنند که: «با یک سیاستمدار آمریکایی مصاحبه کردند؛ مصاحبه‌گر از او می‌پرسد که دشمن آمریکا کیست؟ او در جواب می‌گوید دشمن آمریکا تروریسم نیست، دشمن آمریکا مسلمانها هم نیستند، دشمن آمریکا اسلام‌گرایی است؛ اسلام‌گرایی. یعنی مسلمان تا وقتی بی تفاوت راهش را بیاید و برود و انگیزه‌ای نسبت به اسلام نداشته باشد، احساس دشمنی با او نمی‌کنند؛ اما وقتی اسلام‌گرایی به میان آمد، پابندی و تقید به اسلام و حاکمیت اسلام به میان آمد، پایه‌ریزی همان تمدن اسلامی وقتی به میان آمد، دشمنی‌ها شروع می‌شود؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). از این رو است که رهبری با تأکید بر نقش امت اسلامی در تمدن سازی اسلامی و خروج از انفعال و قدم نهادن در وادی کنش فعالانه‌ی تمدنی بیان می‌دارند که: «امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). در نهایت رهبری تلاش مجدانه و مجاهدانه امت اسلامی را یکی از عناصر برپایی تمدن اسلامی قلمداد می‌کنند و بیان می‌دارند که: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

۶-۱-۲-۲- ایستادگی صبر و استقامت

از این رو مشخص گردید که تمدن نوین اسلامی در شرایط فعلی تحت تهدید تمدن غرب قرار دارد و لذا مصونیت و دور ماندن از آسیب پذیری و از سوی دیگر پیشبرد ایده‌های تمدنی منوط به عنصر استقامت و ایستادگی در مقابل مشکلات و هجمه‌ها است. معظم له ضمن در نظر گرفتن قله موفقیت به عنوان نقطه اوج یعنی تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند که: «ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد

به وعده‌ی: «و لينصرنَّ الله من ينصره انَّ الله لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

۶-۱-۲-۳- تأکید بر روی مناسبات بین‌المللی

انقلاب اسلامی ایران و پیام‌های این رخداد عظیم که یکی از آنها تمدن‌سازی است، اکنون از مرزهای جغرافیای ملی و رسمی فراتر رفته است از همین روی جهت کسب نتیجه بهتر و بهینه‌تر و همچنین جهت‌دهی مطلوب به آرمان، باید نسبت به مناسبات بین‌المللی اهتمام ویژه‌ای داشت. درخور توجه است که مارگارت تاچر نخست وزیر اسبق انگلیس در این خصوص اشاره می‌کند که: «ما غربی‌ها در دهه‌ی ۱۹۱۴ از جنگ‌افزارها و قدرت نظامی شوروی ترس و واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق مجهز به ادوات ویرانگر و سلاح‌های مخرب هستند ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته امروز همان تمدن اسلامی علی‌رغم چند سده مسلح هستیم اما ما از حضور فرهنگ اسلامی ایران نگرانیم (گرچی، ۱۳۹۴: ۱۲). از همین روی است که در تمدن نوین اسلامی باید به حوزه روابط بین‌الملل عنایت جدی داشت. چرا که منافع همه کشورها تا این حد درهم‌تنیدگی دارد که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن سوی گستره کره خاکی دچار نوسان می‌شود. بر این اساس در تمدن نوین اسلامی به دو دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت. اما موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه‌ی اعلا پیش خواهد برد. معظم له با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی (ره) بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. معظم له از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی (ره) یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. رهبر انقلاب اسلامی ایران در این خصوص بیان می‌دارند که: «نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام (ره) به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. حرکت‌های

پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸).

۶-۲- ابعاد سخت

ابعاد سخت افزاری بیشتر ناظر به موارد عینی - عملیاتیِ قوام بخشِ تمدن سازی نوین اسلامی می‌باشد که پایه‌ای جهت مراقبت و محافظت از حوزه‌های نرم است. لازم به ذکر است که تمدن سازی نوین اسلامی بدون وجود این ابعاد نمی‌تواند به منصفه ظهور برسد و جمهوری اسلامی ایران بسته به اینکه تا چه حد از غنای ابعاد نرم افزاری تمدن نوین از یک سو و قدرت مضاعف در بعد سخت افزاری برخوردار باشد به همان نسبت در جامه عمل پوشاندن به ایده تمدنی خود موفق خواهد بود. به عنوان نمونه باید بیان داشت امروزه امنیت دیگر صرفاً محدود به امنیت نظامی و مرزی نیست بلکه گونه‌هایی دیگری از امنیت - اقتصادی و رفاهی - نیز مطرح است.

۶-۲-۱- رونق اقتصادی

جامه عمل پوشاندن به ایده تمدن نوین اسلامی به صرف حرکت یکجانبه و بدون توجه به مؤلفه‌های مادی نه تنها میسر نمی‌باشد بلکه منجر به خلل و آسیب به ایده‌های فکری نیز خواهد شد. همراستا با بعد دینی، ایمانی، طرح‌های فکری، اقتصاد نیز باید از رونق برخوردار باشد. در همین رابطه رهبری بیان می‌دارند که: «حیات مطلوب ایمانی، جنبه‌های گوناگون وجود انسان را به گونه متوازن در نظر داشته و در پی تأمین خواستگاه‌های وجودی مادی و معنوی انسان به صورت واقع بینانه است. بر این اساس، زندگی آخرتی انسان مومن، از دل زندگی دنیایی او شکل می‌گیرد و حیات معنوی‌اش در متن زندگی مادی ساخته می‌شود از منظر فرهنگ قران، اقتدار ظاهری، بالندگی و برخورداری از تمکن مادی مایه عزت و استقلال جامعه ایمانی است، از عناصر مهم و بنیادین در شکل‌گیری جامعه متمدن و مطلوب است. از آنجا که وابستگی در نیازهای مادی زندگی، زمینه ساز وابستگی فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه به بیگانگان و موجب استیلای فکری و فرهنگی آنان بر مسلمانان است. (سعیدی روشن، ۱۳۹۲: ۷۷). معظم له اهمیت رونق در بخش اقتصادی را در فراهم ساختن بستری برای پیشرفت در ابعاد حقیقی یعنی حیطه نرم و سبک زندگی می‌کنند و در این رابطه بیان می‌دارند که: «بخش ابزاری یا سخت‌افزاری این تمدن موضوعاتی است که در فضای امروز به عنوان نمودهای پیشرفت مطرح می‌شود؛ از قبیل علم،

اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظائر آن. در این زمینه البته پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم، اما باید توجه کرد که این پیشرفت‌ها وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی؛ یعنی سبک و شیوه‌ی زندگی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). لازم به ذکر است که دشمن بر ضعف و آسیب‌پذیری اقتصادی ایران واقف است و از همین نقطه می‌خواهد در حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی مانع و محدودیت ایجاد کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه بیان می‌دارند که: «دشمن حداکثر استفاده را از حربه‌ی تحریم دارد می‌کند؛ هدفشان هم این است که ملت ایران را تحقیر کنند؛ هدفشان این است که این حرکت عظیمی را که فقط روی دوش ملت ایران می‌توانست انجام بگیرد، متوقف کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را می‌خواهند متوقف کنند؛ چون می‌دانند این حرکت درست نقطه‌ی مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیا است. این را می‌فهمند و می‌بینند که این حرکت چطور در دنیا دارد توسعه پیدا می‌کند و ملتها را متوجه خودش می‌کند؛ می‌خواهند جلوی این را بگیرند. این تحریم‌ها و این تهدیدها و این شرط و شروط کردن‌ها به‌خاطر این است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹). البته باید توجه داشت که معظم له پیشرفت اقتصادی در سایه معنویت اسلامی را جلوه حقیقی تمدن نوین اسلامی می‌نامند و بیان می‌دارند که: «این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده‌ی بشدت هشداردهنده است. اگر در این مجموعه، شما نقش روحانیت را برجسته کردید، ببینید چقدر به این مدنیت خدمت کرده اید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۶-۲-۲- پیشرفت و توسعه درون‌زا

تمدن نوین اسلامی مبتنی بر تلاش و کوشش مستمر جهت ارائه "الگویی از پیشرفت درون به بیرون" است و از الگوهای رونق و توسعه "بیرون به درون" احتراز می‌ورزد. الگوهای توسعه‌ای غربی نه تنها کمکی جهت تمدن نوین اسلامی نمی‌کنند بلکه به نوعی منجر به انحراف از دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌گردد و در غایت امر وضعیت تمدنی نیز حاصل نمی‌شود. رهبری در این خصوص بیان می‌دارند که: «بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی یک چیزی

را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، اینها ممکن است به یک پیشرفتهائی هم برسند، به یک پیشرفتهای صوری و سطحی هم می‌رسند، اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند، اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آنها تقلید است و تقلید پدرشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب گیرشان می‌آید و بسیاری‌اش گیرشان نمی‌آید، اما همه‌ی زیانهای آنها گیرشان می‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

۶-۲-۳- امنیت رفاهی جامعه

جامعه‌ی به لحاظ اقتصادی پیشرفته و مصون در مقابل تکانه‌های داخلی و خارجی، حائز اهمیتی زیاد در تمدن نوین است. درخور توجه است که جامعه‌ای که که فقر در آن ریشه دوانیده باشد و دغدغه اصلی مردم رفع نیازهای اولیه است، فرصت چندانی جهت پرورش روحی خود از یک طرف و همراهی با آرمان‌های کلان تمدن نوین نخواهند داشت. از همین روی است که رهبری به کرات بر روی این مقوله تأکید داشته‌اند و در همین رابطه بیان می‌دارند که: «مسئله اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی ...» (خامنه‌ای ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۶-۲-۴- پیشرفت و آمادگی نظامی

با ورود به هزار سوم میلادی بسیاری از اندیشمندان مسائل سیاسی - نظامی بر این اعتقاد بودند که نظر به پایان عمر اتحاد جماهیر شوروی و عدم وجود صف‌بندی‌های نظامی قابل توجه، جنگ‌ها و درگیری‌های خونین از دنیای سیاست بین‌الملل رخت بربخواهد بست، از این رو این دسته نتیجه می‌گرفتند که سرمایه‌گذاری روی مسائل نظامی و قدرتمندی زمینی، دریایی و هوایی چندان مطلوب نیست. منتها برعکس دیدگاه این طیف، ورود به هزاره سوم میلادی منجر به رخ دادن جنگ‌های خونینی گردید. مرکز ثقل آن در گستره جغرافیایی غرب آسیا متمرکز است. نکته شایان توجه این است

که بحران‌های ساختگی آمریکا در افغانستان و عراق و متعاقب آن بحران تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، جملگی در همجواری ایران یا در درون کشورهای متحد ایران رخ داده‌اند یا به سخن بهتر برنامه‌ریزی و ساخته شده‌اند. این بحران‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرده‌اند و برخی از این تهدیدات تاکنون نیز ادامه یافته‌اند و روندهای تهدید آمیز نوظهوری نیز در آینده در محیط آشوبناک منطقه غرب آسیا سر بر خواهد آورد. از سوی دیگر باید بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران که طرح فکری تمدن سازی نوین اسلامی را ساحت بندی کرده، بدون اهتمام به قدرتمندی نظامی نمی‌تواند پیشبردی در این تمدن جدید داشته باشد. تاریخ مکتوب نیز نشانگر این مهم است که تمدن‌های بزرگ همواره از ارتش‌های قدرتمندی نیز برخوردار بوده‌اند؛ چرا که کشورهای متمدن همواره مورد تهدید رقیب بوده‌اند و در صورت ضعف نظامی ممکن است مورد تهاجم از سوی رقبای تمدنی و هویتی قرار بگیرند. از این روی است که قدرتمندی نظامی بازوی قوام بخش و امنیت زای تمدن سازی نوین اسلامی خواهد بود که در سایه آن و به شرط فراهم بودن سایر ابعاد نرم افزاری، بستر جهت عملیاتی ساختن ایده‌ها میسر است. رهبری قدرتمندی نظامی را یکی از پایه‌های زمینه ساز برپایی تمدن نوین اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند که: «خانواده‌های عزیز رزمندگان ما، چه رزمندگان ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه نیروی انتظامی، چه کارکنان وزارت دفاع - همین‌هایی که فرماندهی محترم اسم آوردند - و همسران آنها بدانند که به کی دارند کمک می‌کنند، شریک زندگیشان کیه. شریک زندگی شما جزو کسانی است که در این بنای رفیع و باشکوه، نقشهای حساس دارد؛ نیروهای مسلح این‌جورند دیگر. به تعبیر امیرالمؤمنین: «حصون الرعیة»؛ حصارهای رعیتند، حصارهای ملتند، حصارهای معنوی کشورند. مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان شاء الله زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست، با این هویت پیش شما شناخته بشود. فرزندان هم همین جور. بچه‌ها و فرزندان کارکنان نیروهای مسلح باید افتخار کنند، ببالند به پدرانشان (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲۸). البته این قدرتمندی به منزله تسخیر سایر سرزمین‌ها نیست. معظم له در این خصوص بیان می‌دارند که: «ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره‌ی بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن

هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

۶-۲-۵- امنیت ارضی و سرزمینی

امنیت رکن اصلی پیشرفت و پیشبرد برنامه‌های خرد و کلان فرد، سازمان‌ها و کشورها است و نبود این قسم، نظام برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی ایده‌های تمدن نوین اسلامی را با چالش اساسی مواجه می‌سازد. تهدیدات بالقوه و بالفعل وضعیتی را فراهم می‌آورد که کشورها همواره در سایه تهدید اقدام به طرح-ریزی و عملیاتی ساختن مقاصد خود باشند. تا جایی که غالباً عنصر روانی تهدید منجر به عدم موفقیت برنامه‌ها می‌گردد. ایران در منطقه جغرافیایی قرار گرفته است که نگاهی اجمالی به اکناف این کشور مبرهن می‌سازد که بحران‌های زیادی گرداگرد آن را در شمال، جنوب و شرق و غرب فرا گرفته است. از این رو باید با اشراف اطلاعاتی و امنیتی اقدام به عملیاتی ساختن چشم انداز تمدن نوین اسلامی نماید. از این رو در خصوص تمدن نوین اسلامی باید بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه دار این ایده زمانی می‌توان به نحو مطلوب تمدن نوین اسلامی را به پیش برد و در آینده آن را قرین موفقیت سازد که با تهدیدات مترتب مقابله کرده و به موازت آن ایده‌های تمدنی را نیز در ابعاد مختلف پیگیری نماید. چنانچه وضعیت کشور ایران را به مثابه ام القراء تمدن سازی نوین اسلامی مد نظر قرار بدهیم باید بیان داشت که جهت دامن گستری تمدنی باید "سرزمین مادر" به هم به لحاظ مرزی و هم به لحاظ داخلی از مصونیت بسیار بالایی برخوردار باشد. نکته حائز اهمیت این است که امنیت ارضی و مرزی جمهوری اسلامی ایران و تمدن نوین اسلامی ربط وثیقی به پیشرفت‌های نظامی در ابعاد زمینی، هوایی و دریایی دارد. از همین روی به میزانی که جمهوری اسلامی ایران در دنیای رقابتی کنونی و محیط تهدیدزای غرب آسیا از قدرت نظامی برخوردار باشد به همان نسبت امنیت این کشور بیشتر تأمین می‌شود و در سایه آن می‌توان ایده‌های تمدنی را پیگیری کند، در غیر این صورت در شرایطی که کشور امنیت نداشته باشید و حیات فیزیکی کشور مورد تهدید جدی باشد، برنامه‌ریزی و سخن راندن از ایده تمدن نوین اسلامی چندان نزدیک به صواب و قرین توفیق نخواهد بود.

۷- وجوه اشتراک و افتراق تمدنی نوین اسلامی و تمدن اسلامی

تأمل در مباحث فوق مبرهن می‌سازد که تمدن نوین اسلامی کاملاً منفک از تمدن اسلامی سابق نیست، هر چند در برخی شاخص‌ها با آن تفاوت دارد، منتها به طور کلی در شاخص‌های کلان ریشه در همان تمدن دارد. به تعبیری تمدن نوین اسلامی در عرض تمدن اسلامی نمی‌باشد، بلکه در طول آن می‌باشد و از آموزه‌های فکری و آزمودنی‌های عملیاتی، دستاوردهای ارزنده و تجارب مفید تمدن سابق بهره می‌گیرد و به علاوه به فراخور بازه زمانی کنونی و گذر ایام، نکات و شاخص‌های محوری جدیدی به آن می‌افزاید. رهبری نیز در همین رابطه بیان می‌دارند که: «پیام پیغمبر اکرم و پیام بعثت در طول سه - چهار قرن توانست آن عظمت را به وجود بیاورد که همه دنیا و همه تمدن‌های امروز مدیون آن تمدن قرن سوم و چهارم هجری مسلمانان است. این یک تجربه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹). اکنون این سوال مطرح می‌شود که تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی چه مشابهات و مفارقاتی با یکدیگر دارند؟ جهت پاسخ به این سوال به طور کلی در ابتدا مشابهات و سپس مفارقات ملحوظ نظر قرار می‌گیرد.

۷-۱-۱- مشابهات

۷-۱-۱-۱- ایمان و معنویت‌گرایی

مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین وجه تشابه تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی توحید، ایمان محوری، معنویت‌گرایی و تأکید بر تقوا می‌باشد. رهبری در این خصوص بیان می‌دارند که: «در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام (ص) و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکای به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند. آنها هم در برابر قدرتهای بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرا نتوانیم؟ ولا تهنوا ولا تحزنوا و اتمم الاعلون ان کنتم مؤمنین شرطش ایمان است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۳). معظم له با تأکید بر اینکه در تمدن اسلامی محوریت کارها بر ایمان و تقوا قرار داشت، بیان می‌دارند که: «اگر انسان راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، آن وقت می‌بیند که این عشق به کار، چقدر کار را آسان خواهد کرد. تمدن اسلامی، این گونه به وجود آمد: معمارش وقتی می‌خواهد بنایی را طراحی کند، همین گونه است. عمده‌اش وقتی خشتها را روی هم

می‌گذارد، همین‌طور است. فرمانده‌اش وقتی در قرارگاه اصلی نشسته، همین‌طور است. سربازش وقتی در خط مقدم حرکت می‌کند، همین‌طور است. سنگرساز بی‌سنگرش همین‌طور است (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۹) به عقیده معظم له مانند تمدن سابق در تمدن نوین اسلامی نیز باید دین پایه و اساس باشد: «وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می‌فرماید: اگر این‌طور نبود، این کارها انجام نمی‌شد: «ما قام للدین عمود و لا اخضر للایمان عود»؛ یک شاخه‌ی ایمان سبز نمی‌شد و یک پایه‌ی دین بر سرپا نمی‌ماند. به برکت اخلاص و صدق آن مسلمین، این پیشرفتها انجام شد و جامعه‌ی اسلامی پدید آمد. تمدن اسلامی و این حرکت عظیم تاریخی امروز هم همان است، و ملت ما و مسلمانان در همه‌ی عالم و امروز ملت عراق و پیشروان آن ملت و نیز دیگر مردمی که در هر گوشه‌ی دنیا به نام اسلام سخن می‌گویند، باید این درس را از علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) فرابگیرند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۱۶). معظم له همچنین در این رابطه بیان می‌دارند که: «به‌هرحال، ملت عزیز ما و شما عزیزان باید این فرصتی را که خدای متعال در اختیارتان گذاشته است قدر بدانید. این اقبالی که دل‌های شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی باارزش است. این، همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها - لااقل در چند قرن از قرون اولیه - دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، و آلا با انگیزه‌ها و تلاشهای مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

۷-۱-۲- دانش محوری و علم‌گرایی

هم در تمدن اسلامی و هم در تمدن نوین اسلامی علم یکی از ارکان اصلی بناکننده آرمان تمدنی به شمار می‌رود و به همان نسبت که در تمدن اسلامی بر روی دانش و علم آموزی تأکید میشد در تمدن نوین اسلامی به فراخور بازه زمانی و گستره مکانی تأکید بیشتری بر روی این مقوله می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «همه باید همت کنند؛ هم مسئولین باید همت کنند، هم آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه هم قضیه‌ی یک‌سال و دو سال نیست، قضیه‌ی بلندمدت است؛ زمان میبرد؛ کما اینکه در تمدن اسلامی [اگر] شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدن

اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفتهای امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است. خب، امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود، ما سریع‌تر ان شاء الله به آن نتیجه خواهیم رسید، لکن بالاخره زمان‌بر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۱۱). رهبری همچنین بیان می‌دارند که: «سؤال اصلی این است که این تمدن اسلامی چگونه به وجود آمد؟ برخی می‌گویند از آثار ایران گرفتند و برخی معتقدند که از آثار روم گرفتند. اما این حرفها، حرفهای جاهلانه و بچگانه است. حال فرض کنیم که ده عنوان کتاب از جایی ترجمه کردند، آیا با این ده عنوان کتاب، تمدن درست می‌شود؟ آیا تمدن اسلامی با ترجمه‌ی آثار یونانی و رومی و هندی درست شد؟ نه. جوهر تمدن اسلامی، از درون خودش بود. البته تمدن زنده، از دیگران هم استفاده می‌کند. سؤال این است که این دنیای آباد؛ این به کار گرفتن علم؛ این کشف حقایق درجه‌ی یک عالم وجود- همین عالم ماده- که به‌وسیله‌ی مسلمین به وجود آمد؛ این استخدام اندیشه‌ها و فکرها و ذهنها و فعالیتهای عظیم علمی و به وجود آوردن دانشگاههای عظیم آن روز در مقیاس جهانی؛ (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

۷-۱-۳- عدل و عدالت محوری

به همان نحوی که در تمدن اسلامی تلاش زیادی در بنای جامعه عادلانه مبتنی بر مساوات منطقی، عدالت محوری و عدم تضییع حقوق افراد می‌شد در تمدن نوین اسلامی نیز بر روی این قسم تمرکز و تأکید زیادی شده است از همین روی دو تمدن ذیل مبحث عدالت‌گرایی وجه شباهت قابل توجهی دارند.

۷-۲- مفارقات

۷-۲-۱- اولویت‌بندی مراحل نیل به تمدن

یکی از تفاوت‌های مهم تمدن نوین اسلامی با تمدن اسلامی در ابتکار ارائه مراحل پنج‌گانه‌ای است که توسط رهبری به منظور نیل به وضعیت مطلوب تمدنی جدید ارائه شده است. رهبری بر این اعتقاد هستند که کار تمدن‌سازی امری خطیر است که نیازمند توجه به سلسله‌توالی و گام‌های در هم تنیده پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت‌سازی اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی می‌باشد. با تأمل در این گام‌ها مبرهن می‌گردد که یک "نظم قاعده‌مند و پیش‌نیازی" بین این مراحل

به چشم می خورد و گذر از هر مرحله و نیل به ایستگاه بعدی نیازمند موفقیت در گام قبلی خواهد بود و در صورتی که این گام‌ها به صورت روشمند، قاعده‌مند و منظم طی شود وضعیت نوین تمدنی پدیدار خواهد شد که مقدمه‌ای جهت برقراری جامعه کمال مطلوب مهدوی می باشد. از سوی دیگر باید بیان داشت که در عصر تمدنی اسلامی چنین اولویت‌بندی به چشم نمی خورد.

۷-۲-۲- ارتباطات بین‌الملل

یکی از تفاوت‌های اساسی میان تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی این است که تمدن سابق از محیط اطراف خود اطلاع چندان نداشت یا اهمیت و تأکید زیادی بر آن نمیشد، منتها در تمدن نوین اسلامی به فراخور زمان و رخ‌نمایی موضوعات، مسائل، دغدغه‌ها و نیازهای جدید، نظام اسلامی به صورت مستمر و مدام با محیط اطراف و دنیای خارج در داد و ستد و رفت و آمد می‌باشد و مهم‌تر اینکه یکی از سیاست‌های مهم مطمح نظر تمدن نوین تلاش جهت جلوه‌نمایی فرهنگی و هویتی، بن‌مایه‌ها و بن‌انگاره‌های تمدنی و آورده‌های انقلاب اسلامی در فراسوی مرزهای جمهوری اسلامی ایران با هدف تأثیرگذاری و جذب مردم دیگر گستره‌ها می‌باشد. فلذا تمدن اسلامی نوین اسلامی به صورت حصاربندی^۱ شده در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور به سرانجام مطلوبی نخواهد رسید از این روی است که رهبری به صورت مکرر بر حضور مؤثر همراه با عزت و مصلحت در عرصه‌های جهانی تأکید می‌کنند.

۷-۲-۳- فضای مجازی و رسانه‌ای

فضای رسانه‌ای و مجازی یکی از مهم‌ترین مواردی است که در دنیای کنونی منجر به کاهش فواصل مکانی و زمان دسترسی به رخدادها، پدیده‌ها و ایده و ایدئولوژی دیگر مناطق جغرافیایی و مردم و رهبران دیگر گستره‌های کره خاکی گردیده است. لازم به ذکر است که در تمدن اسلامی مسئله‌ای به اسم رسانه و فضای مجازی وجود نداشت و جهت ارسال پیام‌های دعوتی یا توصیه‌ها، عنصر حضور فیزیکی لازم و متحتم بود و به علامه همین مسئله سرعت آگاهی از رویدادها و ارتباط با دیگر مناطق جهان را به طرز محسوسی کاهش می‌داد. منتها در دنیای کنونی فضای رسانه‌ای و مجازی به

^۱ Fencing

نحو قابل توجهی توسعه پیدا کرده است و اساساً این مهم تا جایی اهمیت دارد که می توان قدرت تأثیر رسانه ها در نهادینه سازی ایده های تمدنی و موارد مشابه را بیشتر از تبلیغات فیزیکی و ماموریت های حضوری دانست. از این رو در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از سویی پیگیر ایده های تمدن نوین است و سوی دیگر از جانب پایگاه های خبری جهان غرب - به عنوان تمدن غالب کنونی - در معرض تهدیدات، تهمت ها، هراس افکنی و ... هست وقع نهادن به فضای رسانه ای و اقدام به تولید محتوای متمر ثر، ضروری است. در این ارتباط ارائه جلوه ها و صورت بندی های دقیق و منطقی از تمدن ایرانی - اسلامی با هدف آشناسازی جهان غرب و شرق با غنای فرهنگی - هویتی تمدن ایرانی - اسلامی می تواند بسترساز مقابله با اسلام هراسی، شیعه هراسی و تمدن هراسی ایرانی باشد.

۷-۲-۴- علم - فناوری

لازم به ذکر است که هر چند در تمدن اسلامی تأکید زیادی روی بحث علم و دانش افزایی و کسب معرفت و شناخت می شد و تاجایی که این مهم منجر به سرآمدی جهان اسلام در اکثر علوم گردید، منتها در آن زمان مقوله ای به نام فناوری وجود نداشت، از سوی دیگر در شرایط کنونی با فناوری های نوین و جدیدی روبرو هستیم که سرنوشت بشر را هم با رفاه و آسایش و هم با مخاطره روبرو ساخته اند، از سویی عدم اهتمام به قسم علم - فناوری منجر به عقب ماندن کشورها از قافله رقابت با دیگر رقبای می گردد از همین روی است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور داعیه دار برپایی تمدن نوین اسلامی نظر به پیشرفت های چشمگیر در حوزه علمی اکنون در حوزه فناوری های نوین ورود پیدا کرده است و در اکثر شاخه ها همانند نانو و فعالیت های دانش بنیان جزء ده کشور برتر دنیا به شمار می رود. از این رو فناوری و تکنولوژی نقش بی بدیلی در تمدن سازی نوین اسلامی ایفا می کند و همانطور که بیان شد در صورت اهمال نسبت به این مهم، این کشور ناگزیر به بهره گیری از "فناوری های دست دوم"^۱ ساخته شده توسط کشورهای غربی است که در بطن آن قاعده "استثمار فرهنگی و عقلانی"^۲ کشورهای خارج از جهان غرب به ویژه جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای با فرهنگ تمدنی غنی قرار دارد. لازم به ذکر است که تأکید بر فناوری یکی از آموخته های

^۱ Second-hand technologies

^۲ Cultural and rational exploitation

تاریخی از تمدن اسلامی است که به دلیل عدم اهتمام نسبت به آن به تدریج از پیشرفت به موازات گذر زمان غافل ماندند و در طی پروسه چندین قرنه دنیای غرب گوی سبقت را از آنها گرفت.

۷-۲-۵- مدل عقلانیت و خردگرایی

در تمدن نوین اسلامی همانطور که در مباحث فوق ذکر آن رفت اهمیت زیادی به عقل گرایی، خرد محوری، تأمل و تدبیر در پدیده‌های اطراف داده می‌شود منتها از سوی دیگر در تمدن اسلامی به مراتب کمتر، نقش و جایگاهی برای عقل در نظر گرفته شده است و نقل گرایی به مرور زمان بر صورت عقل گرایی غلبه کرد.

۷-۲-۶- رهبری و مردم

در تمدن اسلامی عنصر رهبری بر پایه الگوی خلافت و ملوکیت برپا شده است و بنابراین مردم در مشروعیت بخشی جایگاهی نداشتند از سوی دیگر در تمدن اسلامی مشروعیت به صورت دو گانه الهی - مردمی است که از درون این مهم الگوی " مردم سالاری دینی"^۱ به منصفه ظهور رسیده است (جهانبین، ۱۳۹۵). به تعبیری در تمدن اسلامی الگوی خلافت^۲ فارغ از نظر و خواست مردم وجود داشت منتها در تمدن نوین اسلامی در کنار عصر رهبری، برای مردم جایگاه رفیعی در نظر گرفته شده است.

۸- پیشنهادات

تمدن سازی نوین اسلامی از زمره آرمان ها و دغدغه های کنونی کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد که نیل به آن نیازمند نصب العین قرار دادن مجموعه راهبردهای فکری و عملیاتی است. در این پژوهش نیز سعی بر آن بود که در ابتدا شرحی غنی^۳ و محتوایی پرقوام از متغیرهای مورد مطالعه صورت پذیرد و اکنون نیازمند ارائه تجویزهایی هستیم. چرا که تمدن سازی نوین اسلامی که شاخص - های کلی و جزئی آن توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی ارائه شده است نیازمند در پیش گرفتن راه

^۱ Religious democracy

^۲ Caliphate pattern

^۳ thick descriptions

کارهایی به منظور جامه عمل پوشاندن است. از همین روی است که در بحث پایانی سعی بر آن است که برخی پیشنهادات ارائه گردد.

۸-۱- بعد داخلی

- تشکیل هیئت‌های اندیشه ورز تمدنی در سطح دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه که روی موضوعات مهم و کلان تمدنی تفکر و بحث کرده و انجام پژوهش‌های بنیادی در این خصوص را در دستور کار قرار دهند؛
- برگزاری کارگاه‌های بینش تمدنی توسط متخصصان حوزه تمدن و سایر حوزه‌های مقوم تمدن ساز همانند اقتصاد، امنیتی و نظامی، صنعتی و توسعه، فرهنگ و اجتماعی با موضوع و درون مایه تمدنی در سطح کشور. این مهم می‌تواند ضمن آشنا ساختن افراد جامعه با تمدن نوین اسلامی از سوی دیگر آنها را به سمت تأملات فکری و پژوهش تمدنی نیز سوق دهد؛
- امنیت اقتصادی و رفاهی جامعه: در شرایط کنونی جامعه ایران بیش از هر چیز نیازمند ثبات اقتصادی و رفاه نسبی است. جامعه‌ای که دچار فقر مطلق شده باشد بستر مناسبی جهت پیاده‌سازی ایده‌های تمدن نیست. از همین روی است که حد متوسطی از رفاه و مصونیت مالی و اقتصادی جهت فضا سازی ذهنی به منظور کاربست ایده‌های تمدن نوین اسلامی لازم و ضروری است؛
- نهادسازی تمدنی: منظور دائرکردن اندیشگاه‌هایی با هدف تفکر تخصصی روی تمدن نوین اسلامی باشد. تمدن نوین اسلامی نیازمند کار دائم و مستمر هم در بعد فکری و هم در بعد عملیاتی است و صرفاً برگزاری همایش‌های سالیانه نمی‌تواند به نحو مطلوبی مفید فایده واقع گردد. لازم به ذکر است که این اندیشگاه‌ها می‌تواند محفلی برای هیئت‌های اندیشه‌ورز باشد؛
- تصویب و درج درس عمومی تحت عنوان تمدن نوین اسلامی در دانشگاه‌ها که می‌تواند ایده‌های تمدنی را به صورت مکتوب در سطح وسیعی در دسترس قرار دهد؛

۸-۲- بعد خارجی

۸-۲-۱- دیپلماسی فضای مجازی - رسانه‌ای

گراف نیست اگر بیان کنیم که فضای مجازی و رسانه‌های شنیداری و تصویری اکنون مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگر و بازی گردان عرصه سیاست بین‌الملل به شمار می‌روند که تأثیرات منفی و مثبتی دارد. لذا جمهوری اسلامی ایران باید بیش از پیش روی این قسم سرمایه گذاری و تأکید کند. از طریق رسانه های قوی و تولید محتوای تأثیرگذار می‌توان ایده‌های تمدنی و فرهنگ غنی^۱ ایرانی - اسلامی را بدون حضور فیزیکی و متحمل شدن هزینه گراف به آنسوی مرزهای رسمی مخابره کرد. از همین روی است که باید به فضای مجازی و رسانه‌ای به مثابه نوعی دیپلماسی غیررسمی^۲ نگریست که به صورت قاعده‌مند می‌توان فرهنگ و بینش تمدنی خود را به ملل منطقه و دنیا عرضه داشت. معظم له در همین رابطه بیان می‌دارند که: «می‌توان از عرصه‌ی فضای مجازی حداکثر منافع را [کسب کرد]؛ همان کاری که دشمن می‌کند، شما [هم] می‌توانید بکنید در جهت عکس. [یعنی] مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را پخش کنید بدون هیچ مانع و رادعی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۱۶).

۸-۲-۲- برگزاری همایش در خارج از ایران با موضوع تمدن نوین اسلامی

همایش تمدن نوین اسلامی در جمهوری اسلامی ایران که در دانشگاه شاهد به صورت سالیانه برگزار می‌شود، می‌تواند به عنوان الگویی مناسب با همکاری و برنامه ریزی مسئولان جمهوری اسلامی ایران و همیاری نهادهای سیاسی و نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور به ویژه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، شرق آسیا، شبه قاره هند، آفریقا، آمریکای لاتین، حوزه بالکان و برگزار شود. علاوه بر این برگزاری کارگاه های بینش‌افزایی و معرفت‌افزایی تمدن نوین اسلامی توسط متخصصان حوزه تمدنی در کشورهای هدف می‌تواند مفید فایده واقع بشود.

^۱ Rich culture

^۲ Non-formal diplomacy

۸-۲-۳- دیپلماسی مذهبی

درون مایه و بن‌انگاره اصلی تمدن نوین اسلامی شامل مسائل معنوی و دینی است. از سوی دین مبین اسلام در برگیرنده دستورات جامع و شاملی هم در ابعاد روحی و پرورش ابعاد وجودی انسان و هم کلان‌ترین امور حیات اجتماعی دارای توصیه‌هایی است. از این نظرگاه دین مبین اسلام ظرفیت شایان توجهی داشته و لازم است که این ظرفیت‌ها نه تنها در سرزمین ایران و کشورهای اسلامی عربی پدیدار شود، بلکه می‌توان با استفاده از اهرم جدیدی به نام "دیپلماسی مذهبی" و با بهره‌گیری از دیپلمات‌هایی که پرورش یافته مکاتب دینی و مذهبی هستند به عرصه عمل برسد. لازم به ذکر است که طبیعتاً دیپلماسی‌ای که بر پایه مذهب قرار گرفته باشد محوریت آن با نهادهای دینی خواهد بود. در همین رابطه باید بیان داشت که دیپلماسی دینی یعنی برقراری ارتباط با افراد دیگر از طریق اساسی‌ترین مسئله که همان دین است و مبنای امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی همین بوده است. درخور توجه است که اگر با اهرم نرم افزاری دین با مردم دنیا ارتباط برقرار کنیم اثرات فرهنگی و فکری شایانی در عرصه تمدن نوین اسلامی دارد. به طور مثال مبنای ارتباط ما با بوسنی بر اساس دین بود. ایران بر اساس دین به بوسنی ورود و به اسم دین از آنها محافظت کرد و اکنون بخش اعظمی از مردم بوسنی دیدگاه مطلوبی نسبت به فرهنگ و تمدن ایرانی دارند و حتی تعداد زیادی از مبلغان مذهبی ایران در این کشور مشغول ارائه آموزه‌های اسلام و حیانی هستند و به علاوه مردم این کشور نیز جذب کلاس‌های درس دینی شده‌اند.

۸-۲-۴- دیپلماسی علمی

یکی از شاخه‌ای نوظهور دیپلماسی که با هدف تبادل علمی و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری در دستور کار قرار گرفته است، دیپلماسی علمی^۲ می‌باشد. ذیل این قسم می‌توان به استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و همین‌طور استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی برای پیشبرد علم و فناوری اشاره نمود (ذوالفقار زاده و ثنائی، ۱۳۹۲: ۴۶). عینیت‌سازی ایده تمدن نوین اسلامی در کنار توجه به ابعاد معنوی در شرایط کنونی بیش از هر چیزی

^۱ Religious Diplomacy

^۲ Science diplomacy

نیازمند توسعه علمی و استفاده از دستاوردهای علمی، فناوری و تکنولوژیکی در دیگر نقاط جهان می‌باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران به منظور پیشرفت و پیشبرد مقاصد تمدنی، دستاوردهای خود را به مجامع علمی و برخی کشورهای هدف عرض می‌کند و از سوی دیگر از دستاوردهای علمی ارزنده و مفید دیگر کشورها بهره‌مند می‌شود. البته باید توجه داشت که این مسئله تنها یک جنبه از دستاوردهای دیپلماسی علمی است بلکه تأثیر بنیادی‌تر این حوزه ایجاد و تعمیق بخشی ارتباطات فرهنگی، سیاسی و پیوندهای اقتصادی قوی است که از رهگذر همکاری علمی میسر می‌گردد.

۸-۲-۵- دیپلماسی عمومی و فرهنگی

ادوارد تی‌هال^۱ در مقدمه کتاب "زبان سکوت"^۲ این سوال را مطرح می‌کند که چگونه کشورها می‌توانند از دیگر ملت‌ها تأثیر و ارتباط بگیرند؟ وی بیان می‌کند که کشورها در مورد شهرت خود و نگاه دیگران به آن‌ها در خارج اهمیت می‌دهند (Hall, 1995:2). دیپلماسی عمومی و فرهنگی^۳ برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها در حوزه سیاست خارجی با ابزارهای گوناگون به ویژه هنر و جلوه‌های آن همانند سینما به کار می‌رود و هدف از آن القاء سبک زندگی مورد نظر به شهروندان جامعه هدف و استقرار و استمرار روابط طولانی مدت با جوامع دیگر است. در همین رابطه و جهت ارائه بینش تمدنی نوین اسلامی از ابزار دیپلماسی عمومی و از رهگذر عنصر غنای فرهنگ ایران - اسلامی می‌توان جشنواره‌هایی در زمینه فیلم و سریال با محوریت ارائه تصویری از سبک زندگی ایرانی - اسلامی به منظور معرفی و نهادینه ساختن جلوه‌های تمدن نوین مورد نظر برگزار کرد و اقدام به تهیه و ارائه پروشورها و کتابچه‌هایی با همین موضوع کرد.

نتیجه‌گیری

مروری بر روند تاریخ نشان دهنده وجود تمدن‌های بزرگ و سرآمدی همانند تمدن اسلامی در بازه زمانی از تاریخ بوده است. در همین رابطه مطالعات تاریخی - تمدنی زیادی در خصوص روند رشد، علل بلوغ و افول تمدن‌ها صورت پذیرفته است. تمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم از زمره

^۱ Edward T. Hall

^۲ The Silent Language

^۳ Public and Cultural Diplomacy

تمدن‌های شاخص می‌باشد. لازم به ذکر است که تمدن اسلامی، تمدنی دینی بود که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام بنا شد و از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار بود و مؤلفه‌های آن بر پایه دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... بنا شد. این تمدن پس از دوره‌ای از اوج به مرور زمان بر اثر برخی دلایل داخلی و خارجی رو به انحطاط رفت و تمدن غرب جای آن را گرفت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با ویژگی‌های منحصر به فرد داخلی و بازتاب‌های فرامرزی و فرامکانی منجر به مطرح شدن ایده برپایی تمدنی جدید با عنوان "تمدن نوین اسلامی" گشت. تمدن نوین اسلامی که بیشتر حول محور اندیشه رهبر انقلاب اسلامی قرار دارد، شامل یک بخش متنی و حقیقی سبک زندگی - مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، مسئله کسب و کار، رفتار در محل کار، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما با دشمن - که متن زندگی را تشکیل می‌دهد و یک بخش ابزاری شامل ارزشهایی است که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی است. سوال اصلی پژوهش این بود که تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی دارای چه شباهات‌ها و مفارقاتی هستند؟ آیا تمدن نوین اسلامی تلاش جهت احیاء تمدن جدید با کارویژه‌های جدید بدون توجه به تمدن اسلامی سابق است؟ در همین راستا باید بیان داشت که تمدن نوین اسلامی کاملاً منفک از تمدن اسلامی سابق نیست، هر چند در برخی شاخص‌ها با آن تفاوت دارد، منتها به طور کلی در شاخص‌های کلان ریشه در همان تمدن دارد. به تعبیری تمدن نوین اسلامی در عرض تمدن اسلامی نمی‌باشد بلکه در طول آن می‌باشد و از آموزه‌های فکری و آزمودنی‌های عینی - عملیاتی، دستاوردهای ارزنده و تجارب مفید تمدن سابق جهت ساخت تمدنی جدید بهره می‌گیرد و به علاوه به فراخور بازه زمانی کنونی و گذر ایام، نکات و شاخص‌های محوری جدیدی به آن می‌افزاید. به طور کلی تمدن نوین اسلامی و تمدن اسلامی در حوزه مسائل دینی، ایمانی و معنویت‌گرایی، عدل و عدالت‌گرایی و تأکید بر روی مقوله دانش و علم‌محوری جهت پیشبرد اهداف و بلوغ تمدن‌ها دارای شباهت هستند و از سوی دیگر در خصوص وجود اولویت بندی مراحل نیل به تمدن در تمدن نوین اسلامی و فقدان این مهم در تمدن اسلامی، ارتباطات بین‌الملل، فضای مجازی و رسانه‌ای و تأثیر آن بر تمدن‌سازی، علم - فناوری، مدل عقلانیت و خردگرایی، انسان‌تک‌ساختی یا چندساختی و رهبری دارای تفاوت هستند و در واقع این مفارقات بیشتر به عنوان مؤلفه‌ها

و افزوده‌های بدیعی هست که به فراخور زمان و مکان ایران در تمدن اسلامی وجود نداشت و لذا در تمدن نوین اسلامی به چشم می‌خورد.

منابع و مآخذ

۱. ابن خلدون، (۱۳۶۶) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. لوکاس، هنری (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ویرایش دوم، جلد ۱، تهران: انتشارات سخن.
۳. اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۱)، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران: انتشارات یزدان.
۴. اکبری، مرتضی و رضایی (۱۳۹۴)، فریدون واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) دوره ۳، شماره ۵، صفحه ۸۵-۱۰۸.
۵. آدمی ابرقویی، ۱۳۸۷ در آمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسالمی؛ بایسته های نظری، مقدمه دکتر محمدباقر خرمشاد، تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۶. بابایی، حبیب اله، (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۷. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه والهیات سال نوزدهم، شماره دوم.
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۲۶/۰۶/۱۳۹۰
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۰۹/۰۲/۱۳۹۲
۱۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۳۱/۰۵/۱۳۹۵
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۰۷/۱۳۷۹
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۶/۰۱/۱۳۷۰

۱۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۳۱/۰۲/۱۳۹۳
۱۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی ۲۲/۰۲/۱۳۸۲
۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۰۵/۱۳۹۱
۱۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳/۰۴/۱۳۹۴
۱۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۲۹/۱۰/۱۳۸۴
۱۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۰۹/۱۳۹۲
۱۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۱/۰۵/۱۳۹۵
۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۳۱/۰۵/۱۳۹۵
۲۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۲۹/۰۸/۱۳۹۲
۲۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۲۹/۰۵/۱۳۷۶
۲۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از ائمه‌ی جمعه‌ی کشورهای نامیبیا، موزامبیک، آفریقای جنوبی و لسوتو ۰۳/۱۲/۱۳۶۸
۲۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۱/۰۸/۱۳۷۳
۲۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از شرای آئینی ۲۵/۰۳/۱۳۹۰
۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از فرهنگیان ۱۸/۰۲/۱۳۹۲
۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۰/۰۲/۱۳۸۲
۲۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مداحان ۱۱/۰۲/۱۳۹۲
۲۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۰۳/۰۷/۱۳۸۱

۳۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۲۰/۰۸/۱۳۹۴
۳۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی ۲۲/۰۳/۱۳۸۳
۳۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه ۲۹/۰۶/۱۳۷۳
۳۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام ۲۱/۱۱/۱۳۷۵
۳۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف ۲۶/۰۲/۱۳۸۵
۳۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۹/۱۱/۱۳۹۳
۳۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شاهرود ۲۰/۰۸/۱۳۸۵
۳۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۸/۱۰/۱۳۹۴
۳۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان استان سمنان ۱۹/۰۸/۱۳۸۵
۳۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان علمی جوان ۲۸/۰۷/۱۳۹۵
۴۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس ۱۷/۰۲/۱۳۸۷
۴۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان ۲۸/۰۶/۱۳۹۱
۴۲. پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۶/۱۱/۱۳۸۱
۴۳. توین بی، آرنولد (۱۳۷۶)، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۴۵. جهانبین، فرزاد و فتاحی، محمدجواد (۱۳۹۵)، آینده منازعه تمدنی میان ایران و آمریکا، چکیده مقالات دومین هفته تمدن نوین اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق.
۴۶. حسینی، سیدحسین (۱۳۹۳)، روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن، حکمت معاصر. سال ۵. شماره ۲. صص ۲۱-۴۵.
۴۷. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۳)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی، فصلنامه راهبرد و فرهنگ، شماره ۲۳.
۴۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۹. دیدار جوانان خراسان شمالی با رهبر انقلاب ۱۳۹۱/۰۷/۲۳
۵۰. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۱. سپهری، محمد، (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین.
۵۲. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳)، شاخص های تمدن اسلامی بر اساس آموزه های قرآن کریم، آموزش های قرانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰.
۵۳. شریعتی، علی (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، تهران: انتشارات قلم.
۵۴. العزی، غسان (۲۰۰۰) سیاست القوه؛ مستقبل النظام الدولي و القوى العظمی، بیروت: مرکز الدراسات الاستراتيجية و البحوث و التوفیق.
۵۵. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
۵۶. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹، صص ۷-۴۰.
۵۷. قراگوزلو، محمد (۱۳۷۸)، خطوط گسل در نظریه برخورد تمدن ها، قیاسات، دوره ۴، شماره ۱۴، صفحه ۱۱۲-۱۴۷
۵۸. گرجی، اطهر (۱۳۹۴)، ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی، چهارمین کنفرانس ایرانی - اسلامی پیشرفت، پیشرفت ایران، گذشته، حال و آینده، تهران.

۵۹. میرکوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۳)، تبیین دیپلماسی عمومی و فرهنگی از منظر سازه انگاری جهان وطنی، دوره ۴، شماره ۱۳، صفحه ۱۳۰-۲۰۰
۶۰. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
۶۱. همایش تمدن نوین اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶۲. هیل و استفن. و همکاران (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، تهران: انتشارت جایشش.

سایت های خبری - تحلیلی

۱. عامری، داود (۱۳۹۵)، تمدن نوین اسلامی؛ ویژگی‌ها و کارکردها، خبرگزاری فارس (تاریخ دسترسی، ۱۳۹۶/۶/۷)، قابل مشاهده در:
<https://www.tasnimnews.com/Fa/News/1396/09/13/1591880/%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86-%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7>
۲. خادم، خداداد (۱۳۹۴)، احیای تمدن اسلامی وعده الهی است / سبک زندگی؛ مولفه اصلی تمدن سازی، خبرگزاری مهر، (تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۱۰/۲)، قابل مشاهده در:
<https://www.mehrnews.com/News/3009698/%D8%A7%D8%AD%DB%8C%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86-%D8%A7%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7>
۳. همایون، هادی (۱۳۹۶)، رسانه آغازگر تمدن است / موضوع تمدن سازی در بین جامعه نخبگان و دولت جدی گرفته نمی شود - اخبار سینمای ایران و جهان، پرشین ویکی، (تاریخ دسترسی در ۱۳۹۶/۱۰/۳)، قابل مشاهده در:
<https://www.persianweekly.com/2018/01/16/%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%A2%D8%BA%D8%A7%D8%B2%DA%AF%D8%B1-%D8%AA%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7>

